

هشدار امام!

«...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد
... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما برای
خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا می‌کنیم...
دعوی من و شما و همه کسانی که دعا می‌کنند همه
برای خودشان است...»

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



سپاهی الهی زحمت

حضرت آیت‌الله
وحید خراسانی:
آبرو و جان و
مال یک غیر شیعه
همانند مرجع
شیعی است



سال سی و هفتم ♦ شماره ۳ ♦ شماره مسلسل ۱۵۲۱ ♦ نیمه اول اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ ♦ قیمت: ۵۰۰ تومان

هیکل و ایران

استاد سید هادی خسروشاهی

اشاره

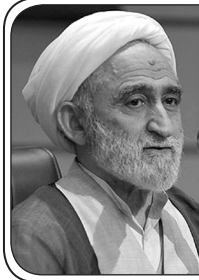
محمدحسین هیکل، روزنامه نگار و فعال سیاسی
پرواز مصری که در ۲۸ بهمن ۱۳۹۴ چشم از جهان
فرو بست، همانگونه که در زمان حیات خود تأثیرگذاری
هایی در صحنه رسانه ای و سیاسی منطقه و جهان
داشت بعد از فقدان نیز به دلیل باز نشر نوشته ها و مصاحبه هایش تأثیر گذار است. این
روزها بسیاری از مطالب هیکل به ویژه آنچه وی درباره انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی
نوشته یا گفته است توسط رسانه ها و افراد مختلف منتشر می شود که بعضی از آنها نیاز
به تصحیح و توضیح دارند زیرا وی در عین حال که فرد معتبری بود، اشتباهاتی نیز داشت.
استاد سید هادی خسروشاهی با نگارش مقاله ای در چند قسمت به تصحیح اشتباهات
و البته تبیین افکار و دیدگاه های محمد حسین هیکل پرداخته است که از این شماره به
تدریج آن را منتشر می نماییم...

شرح در صفحه ۴



هشدار آیت الله استادی به خبر نگاران!

صفحه ۸



طرح حضرت آیت الله مکارم شیرازی برای برگزاری حج با عزت و امنیت

صفحه ۸



آیت الله اراکی: هر گونه حرکت تفرقه انگیز در جهت منافع دشمن صهیونیستی است

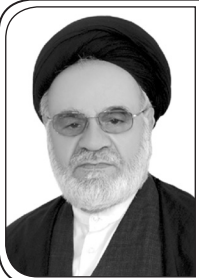
صفحه ۷



رسالة تطبیقی دو مجله: رسالة الاسلام و مکتب اسلام

حجت الاسلام والمسلمین
دکتر سید محمد تقی

صفحه ۲



حمایت مراجع از «برجام» و خدمات دولت در حوزه سلامت

وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی که
در دومین روز هفته سلامت به دیدار مراجع تقلید
و علمای قم رفته بود با حضرات آیات و مراجع
تقلید ناصر مکارم شیرازی، صافی گلپایگانی، وحید
خراسانی، موسوی اردبیلی، نوری همدانی، جوادی
آملی، شبیری زنجانی، جعفر سبحانی و محمد علی
علوی گرگانی دیدار و گفت‌وگو کرد.



در دیدار دکتر سید حسن هاشمی با مراجع تقلید
و علمای قم، حضرات آیات و مراجع عظام ضمن بر شمردن نقاط مثبت دولت
در بخش سلامت و درمان، به صورت ویژه از وزیر بهداشت تجلیل کردند و
خواهان توسعه این اقدامات در بخش‌های مختلف کشور شدند. همچنین برخی
مراجع عظام تقلید در دیدار با وزیر بهداشت ضمن حمایت از برجام، خواهان
رعایت دقت در اجرای این مسأله ملی شدند. آیت‌الله حسین وحید خراسانی از
مراجع تقلید ضمن تأکید بر موضوع اهمیت سلامت به خدمات دکتر ظریف در
وزارت امور خارجه و دکتر هاشمی در وزارت بهداشت اشاره کرد و گفت: حقاً و
انصافاً باید از تلاش‌های آقای ظریف در وزارت امور خارجه و دکتر هاشمی در
وزارت بهداشت قدرانی کرد و هر دو وزیر با دقت کار کرده و به رفع مشکلات
می‌پردازند.

آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی در دیدار با وزیر بهداشت گفت: دولت و وزارت
بهداشت بدون مجامله (چرب زبانی) در حوزه سلامت تحول ایجاد کردند ولی به
این وضعیت اکتفا نکنیم و باید جلوتر برویم. وی ادامه داد: باید راه را به مردم نشان
دهیم، مسأله بیمارستان‌ها در شرایط کنونی تفاوت پیدا کرده ولی نیاز به توسعه
بیشتر دارند، بیمارستان‌ها باید به گونه‌ای باشند که مردم با فکر راحت بتوانند
مراجعه و مشکلات خود را برطرف کنند.

این مرجع تقلید با اشاره به اینکه عده‌ای در مورد برجام بی‌انصافی می‌کنند،
گفت: با وجودی که رهبر معظم انقلاب با برجام موافقت کردند، برخی که ادعای
پیروی از ایشان را دارند باز در مسأله برجام تعبیر به خیانت می‌کنند.
وی ادامه داد: در ارتباط با برجام کاری انجام شده، ما نمی‌گوییم فتح الفتوح
بود ولی فراموش نکنیم که طرف مقابل ما، آدم ناقلایی است، در برجام در مورد
مسائل، ذره ذره توافق کردند و ما باید طرف مقابل را هم در نظر بگیریم، آنها
دوست ندارند جمهوری اسلامی ایران مقتدر و یک‌ه تاز منطقه باشد.

آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی از مراجع تقلید گفت: دولت در طرح تحول
سلامت خدمات ارزشمندی را به مردم ارائه کرده است و در این راستا هرچه بیشتر
به مردم خدمت‌رسانی کنید، ارزش بالایی دارد.

آیت‌الله جعفر سبحانی از مراجع تقلید گفت: طرح تحول سلامت که وزارت
بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اجرا می‌کند، از افتخارات دولت است؛ جامعه
بیمار در علم و دین پیشرفت نمی‌کند و توانایی حفظ استقلال کشور را نیز ندارد.

آیت‌الله لطف الله صافی گلپایگانی از دیگر مراجع تقلید نیز ضمن قدرانی
از دکتر قاضی‌زاده هاشمی خاطر نشان کرد: در موضوع برجام باید بکوشید آن



چیزی که خبر برای مسلمانان است، انجام دهید و ارتباط با دنیا داشته باشید. در
این رابطه باید سوءتفاهم‌ها برطرف شود و همه برای همدلی و اتحاد در جامعه
تلاش داشته باشیم.

آیت‌الله حسین نوری همدانی از مراجع تقلید با قدردانی از خدمات دکتر
قاضی‌زاده هاشمی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اینکه توسعه
ورزش و برنامه غذایی منظم گامی مهم برای سلامت جامعه است گفت: اگر
وزارت بهداشت، ورزش را در کل کشور نهادینه کند به سلامت کمک کرده است
و ۵۰ درصد از زحمات این وزارتخانه کمتر می‌شود، در صورتی که ورزش به درستی
ادامه پیدا کند بسیاری از مراکز درمانی و داروخانه‌ها تعطیل خواهد شد.

آیت‌الله سید موسی شبیری زنجانی از مراجع تقلید نیز با اشاره به اهمیت خدمت
به مردم گفت: خدمت به مردم بزرگترین افتخار و نعمت است و ما همواره برای
شما (وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی) دعا می‌کنیم، شما در حوزه سلامت
جامعه تلاش‌های گسترده‌ای دارید.

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی از مراجع تقلید با اشاره به بحث پیشگیری از
بیماری‌ها گفت: بیش از ۸۰ درصد بیماری‌های جامعه ناشی از پر خوری و بد خوری
است و برخی چون کرامت روح را کنار گذاشته‌اند از آمن ماه رمضان خشنود
نمی‌شوند، در حالی که ماه مبارک رمضان، ماه درمان است.

آیت‌الله علوی گرگانی از اساتید برجسته حوزه علمیه قم بر لزوم تجمیع کلیه
بیمه‌های درمانی در کشور تأکید کرد و افزود: بیمه‌های درمانی باید تجمیع شود،
درست نیست که در کشور بیمه‌های مختلف وجود داشته باشد، باید خدماتی که از
سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ارائه می‌شود، تحت عنوان یکسان
برای مردم باشد و بیمه تکمیلی نیز شامل همه گردد.

گفتنی است، وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در دیدار جداگانه خود با
علمای قم به ارائه توضیحاتی در مورد اقدامات دولت در بخش سلامت و وضعیت
موالید، برنامه دولت برای مقابله با دیابت، اقدامات انجام شده در ارتباط با حاشیه
نشینان و مناطق محروم و خبرهای خوب در مورد گسترش مراکز درمانی در
کشور پرداخت.

روایت دکتر علی لاریجانی از هتاکانی که خود را انقلابی معرفی می‌کند



دکتر علی لاریجانی در
صفحه اینستاگرام خود متنی
با عنوان «بداخلاقی سیاسی
و سکولاریسم» منتشر کرد.
لاریجانی در این متن کوتاه
از رفتار کسانی که ادعای
انقلابی‌گری دارند و در عرصه
سیاسی به هتاک‌ها و بی‌اخلاقی

نسبت به رقیب روی می‌آورند به‌عنوان سکولاریسم یاد کرده
است، در متن منتشرشده توسط دکتر لاریجانی آمده است:
سؤال این است که نسبت جریان‌ها و سیاستمداران
بی‌اخلاق یا بداخلاق، با سکولاریست‌ها چیست؟

سکولاریسم مکتبی است که حوزه سیاست را مقید بر دین
و ارزش‌های ثابت و لایتغیر نمی‌داند و عمدتاً قلمرو سیاست را
بر مبنای منافع جمعی و امری عرفی تلقی می‌کند. به همین
جهت گاه در عالم امروز مشاهده می‌کنید که در کشورهای
دموکراتیک، چه ناهنجاری‌های اخلاقی‌ای در بالاترین سطوح
- حتی در رقابت‌های انتخاباتی - رخ می‌دهد؛ نظیر سخنان
سخیف و غیراخلاقی این روزهای کاندیداهای ریاست‌جمهوری
آمریکا که اکثر سیاستمداران جهان را متعجب کرده است.
اما وضعیت شگفت‌آورتر در مورد کسانی است که در مقام
نظر معرفت‌شناسانه، همیشه بر سکولاریسم نقد دارند و خود
را انقلابی معرفی می‌کنند، اما در میدان اخلاق سیاسی جزء
هتاکان و بداخلاقان و تخریبگران حیثیت دیگران هستند و
به‌هیچ‌وجه ابایی در متهم کردن دیگران ندارند؛ یعنی کاملاً در
عالم اخلاق سیاسی بی‌پروایند. ظاهراً اینان در مقام نظر، مخالف
سکولاریسم هستند، ولی در عمل سیاسی سکولاریست
محسوب می‌شوند؛ حتی ناآگاهانه!

رهبر معظم انقلاب در تاریخ ۱۴ خرداد ۱۳۹۰ فرمودند:
اگر به نام عدالت‌خواهی و به نام انقلابی‌گری، اخلاق را زیر
پا بگذاریم، ضرر کرده‌ایم، از خط امام منحرف شده‌ایم، اگر به
نام انقلابی‌گری، به نام عدالت‌خواهی، به برادران خودمان، به
مردم مؤمن، به کسانی که از لحاظ فکری با ما مخالفند، اما
می‌دانیم که به اصل نظام اعتقاد دارند، به اسلام اعتقاد دارند،
اهانت کردیم، آنها را مورد ایذاء و آزار قرار دادیم، از خط امام
منحرف شده‌ایم.»

دو شاخه مذهبی: سنی و شیعه، به طور عام، نشان دهندهٔ کلیّت فرهنگی جهان اسلام است که به هر ترتیبی به وجود آمده‌اند.

نهاد فرهنگی جامعهٔ تسنن: «دانشگاه الازهر مصر» کشور تأثیرگذار جهان اسلام و عرب و نهاد فرهنگی جهان تشیع: «حوزه علمیه نجف اشرف» و «حوزه علمیه قم» (تازه تأسیس یافته) است.

هر دو حوزه، خدمات فرهنگی - تبلیغی ارزنده‌ای به جهان اسلام عرضه کرده‌اند و تأثیر وسیع و گسترده‌ای در گسترش اسلام در جهان داشته‌اند.

اما هر دو حوزه به اصطلاح به سبک سنتی و قدیمی اداره شده و کمتر تحولی در ساختار این دو حوزه تا دوران اخیر دیده می‌شود. اما اگر از تحول و تغییر کیفی در سطح فرهنگی - تبلیغی این دو حوزه سخنی گفته شود، قطعاً این تحول به دوره‌ای برمی‌گردد که رجال اصلاح‌گر اسلامی، چه سنی و چه شیعه (هر کدام در قلمرو خود) عهده‌دار مدیریت و ریاست دینی این حوزه‌ها بوده‌اند.

می توان گفت این تحولات، عمدتاً بعد از مدیریت استاد شیخ محمد عبده در حوزه الازهر و ریاست آیت‌الله بروجردی و مراجع بعدی در حوزه علمیه قم بوده است. هر دوی این مصلحان اجتماعی - دینی، منشأ اثر فراموش‌نشدنی بوده و بنیانگذاران «اصلاح» در جهان اسلام، شیعه و سنی بوده‌اند.

نماد و تبلور اجتماعی اصلاحی این دو حوزه، نشر مجلات علمی - پژوهشی از مرکز علمی آنها بوده است. دقیقاً از همین نقطه، می‌توان مجله «رسالة الاسلام» را زبان گویای جامعه الازهر و مجله «مکتب اسلام» را سخنگوی علمی جامعهٔ شیعی (حوزه علمیه قم) تلقی کرد. صدور و انشاء و انتشار این دو مجله، نشان تحول کیفی این دو جامعه علمی - دینی بوده است.

ما، به طور اختصار به تحولات کیفی این دو جامعه در عصر اخیر اشاره می‌کنیم و از روش «تحلیل محتوایی» به مقایسه مجله «رسالة الاسلام» و مجله «مکتب اسلام» می‌پردازیم.

اصلاحات شیخ محمد عبده

به حق باید اعتراف کرد شیخ محمد عبده، شاگرد و تلمیذ فداکار سید جمال‌الدین اسدآبادی، اصلاح‌گر عمیق در جهان اسلام و به ویژه در دانشگاه الازهر بوده است. او اعتقاد داشت که در تغییر و اصلاح جهان اسلام، جهاد فرهنگی و تحول نظام آموزشی حوزه‌ها و تفسیر قرآن، تنها عامل تحول در جامعهٔ بسته مسلمان می‌باشد و از این جهت با استاد خود، سید جمال‌الدین، که تغییر را فقط در بُعد سیاسی تفسیر می‌کرد، اختلاف نظر داشت. ۱. دقیقاً راه و روشی که آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله شریعتمداری نیز به آن اعتقاد داشتند.

«جمعية کبار العلماء»

از گام‌های اصلاحی شیخ محمد عبده در اصلاح جامعهٔ الازهر، تشکیل «جمعية کبار العلماء» - مجمع علماء بزرگ - است.

رسالت این جمعیت، نشر علوم اسلامی و حفظ میراث فرهنگی اسلام و اتخاذ و اقتباس دانش‌های جدید در بحث و اندیشه و تدریس است. این جمعیت عهده‌دار چنین علمی در مصر و دیگر اقطار اسلامی می‌باشد. ۲. از وظایف و رسالت این جمعیت در دوره جدید، اقدام به دو کار مهم علمی و اجتماعی است:

۱- تولید علم و نشر و گسترش آن در همه ابعاد فرهنگ اسلامی؛

۲- عنایت و توجه به امور اجتماعی و بحث و بررسی مسائل و مشکلات اخلاقی، اجتماعی، اقتصادی و تبیین موضع دین اسلام در رابطه با آن مسائل است. ۳.

از مهم‌ترین شخصیت‌های علمی «جمعية کبار العلماء» شیخ محمد عرفه، شیخ عبدالمجید سلیم، شیخ محمود شلتوت، شیخ صالح شرف، شیخ محی‌الدین عبدالحمید، شیخ عبدالمعتال الصعیدی می‌باشند. ۴.

امتیاز این عالمان دینی عبارت است از: گرایش‌های اصلاحی آنها در وضع و تحکیم علوم اسلامی، عنایت به

رسالت تطبیقی دو مجله:

رسالة الاسلام و مکتب اسلام

حجت الاسلام والمسلمین دکتر سید محمد ثقفی

اصول قوانین اسلامی دفاع کنند. ضمناً مدلل می‌سازند که یک زندگی صحیح بدون «دینداری» و پای‌بند بودن به اصول مذهبی، ابدا مفهومی نخواهد داشت. ۸.

در لیست نویسندگان مجله مکتب اسلام، اسم این عالمان شیعه که امروزه مراجع تقلید ایران و جهان اسلام‌اند، آمده است:

- آیت‌الله سید عبدالکریم موسوی (اردبیلی)
- آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی
- آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی
- آیت‌الله سید مرتضی جزایری
- آیت‌الله مجدالدین محلاتی
- آیت‌الله جعفر سبحانی تبریزی
- آیت‌الله علی دوانی
- آیت‌الله حسین نوری

در سال‌های بعدی: اسم‌امام موسی صدر و آیت‌الله‌لطف‌الله صافی اضافه گردید البته شهید دکتر سید محمد بهشتی و شهیدمرتضی مطهری از نویسندگان این مجله‌بودند.

مطالعه مجموعه مقالاتی که ۴ شماره رساله الاسلام و ۶ شماره مجله مکتب اسلام، از روش تحلیل محتوایی این مقالات، نشان می‌دهد که نویسندگان دانشمند این دو حوزه اسلامی، چه اهدافی و گرایش‌هایی را دنبال کرده‌اند.

پی نوشت:

- احمد امین، زعماء الإصلاح فی عصر الحديث، صفحه ۳۱۱، دار الکتاب العربی، بیروت، بی تا.
- محمد عبدالمنعم خفاجی، الازهر فی الف عام، ج ۲، صفحه ۱۳۸، مطبعة المنیریة للازهر، ۱۹۵۴ - ۱۳۷۴ هـ
- همان، صفحه ۱۲۹.
- الازهر فی الف عام، ج ۳، صفحات ۱۰۵ - ۱۱۵.
- مقاله استاد محمد واعظ‌زاده در چاپ دوم در مقدمه مجله «رسالة الاسلام»، ۱۹۴۹.
- رسالة الاسلام، شماره اول، صفحه ۹۷ - ۹۸.
- مرتضی مطهری، بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، مقاله مزایا و خدمات آیت‌الله بروجردی، صفحه ۲۴۴، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۴۱.
- شماره اول مجله «مکتب اسلام»، هدف ما، به قلم آیت‌الله مکارم شیرازی.

ادامه دارد...

«فرهنگ سوگ شیعی» منتشر شد

چاپ نخست «فرهنگ سوگ شیعی» دانشنامه تخصصی آیین عزاداری شیعیان، در نمایشگاه کتاب عرضه می‌شود.

ویراست یکم «فرهنگ سوگ شیعی» دانشنامه تخصصی آیین عزاداری شیعیان توسط انتشارات خیمه منتشر شد. این دانشنامه تلاشی میان‌رشته‌ای و گروهی در راستای شناخت و معرفی روشمند و علمی آیین‌ها و رسوم عزاداری و مقولات مرتبط با آنها است که تدوین و نگارش آن از پاییز سال ۱۳۸۹ آغاز شده و تا زمستان ۱۳۹۴ ادامه داشته است.

ویراست یکم این دانشنامه ۲۳۷ مقاله (۲۸ مقاله‌ی ارجاعی) را شامل می‌شود که توسط ۴۳ نویسنده نگاشته شده‌اند. مدیریت این پروژه و سروراستاری آن را محسن حسام مظاهری برعهده دارد.

تمرکز اصلی این دانشنامه، بر شناخت مقوله‌ی عزاداری مذهبی شیعیان در کشورهای مختلف (با تأکید ویژه بر ایران) است و موضوعاتی که مستقیم یا با واسطه به این مقوله مرتبط می‌شوند.مداخل این دانشنامه، ۱۰ گروه‌موضوعی اعم از مفاهیم و اصطلاحات، آثار مکتوب، اشخاص، آیین‌ها، آداب و رسوم، واحدهای جغرافیایی، اماکن، اشیاء، زمان‌ها، سازمان‌ها و دوره‌های تاریخی و دولت‌ها را شامل می‌شود.

«فرهنگ سوگ شیعی» یک پروژه پژوهشی مستمر است که طبق برنامه قرار است در بازه‌های پنج‌ساله و در قالب ویراست‌های پیاپی، روزآمد و تکمیل شود. به‌جهت پویایی موضوع این دانشنامه، در هر ویراست علاوه بر افزودن مقالات جدید، مقالات ویراست‌های قبلی نیز در صورت نیاز بازنگری و ویرایش خواهد شد.

چاپ نخست ویراست یکم این دانشنامه توسط انتشارات خیمه در ۶۷۲ صفحه قطع وزیری و شمارگان هزار نسخه منتشر شده است.

مسلمانان به این خرد است و قطع انگیزه‌های خلاف و تفرقه میان مسلمانان از راه بیان عقیده اصلی اجماعی میان مسلمین و بیان موضوعاتی که جزء عقاید مسلمین محسوب نمی‌شوند.

۵- غرض از تأسیس جماعة التقریب، به وجود آوردن یک مرکز اسلامی برای بسط و گسترش این تفکر است و در این راه از همه اندیشمندان و علمای جهان اسلام، مدد می‌طلبید و عقاید و مذاهب فقهی مذاهب را بر حسب مبانی اصول خود، مبتنی بر دلیل و برهان، منتشر می‌کند تا در مورد مسائل خلافی، به نظریه‌ای صحیح که بر منطق و برهان استوار است برسند و اگر بعد از بحث و بررسی، اختلافی باقی بماند، آن را با تسامح و سعه صدر تلقی نمایند و همراه با احترام و ادب و همکاری، با همدیگر برخورد نمایند. ۶.

جالب اینکه جماعة التقریب، در ایام حج آن سال ۱۳۶۸ هـ - ۱۹۴۲ م، مسائل حج را مطابق مذاهب اسلامی: حنفی، مالکی، شافعی، حنبلی، امامی - زیدی، در جدولی منتشر ساخت و نظر بسیاری از مسلمانان را به موضع خود در رعایت بی‌طرفی در نشر احکام فقهی مذاهب اسلامی جلب کرد.

این روش را فقه مقارن یا «فقه تطبیقی» نامند.

مجله «مکتب اسلام»

حوزه علمیه جوان قم، بعد از تأسیس خود، از زمان آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری (ره)، بعد از رحلت مراجع ثلاث: صدر، حجت و خوانساری، در زمان زعامت و مدیریت آیت‌الله بروجردی به اوج شهرت و نشاط علمی خود رسید.

زعامت آیت‌الله بروجردی به تعبیر استاد شهید مطهری، دارای مزایایی بود که در دیگر مراجع کمتر وجود داشت:

۱- روش فقهی و تسلط بر مذاهب اسلامی؛

۲- وحدت اسلامی و حسن تفاهم و تقریب بین مذاهب اسلامی

آیت‌الله بروجردی به حسن تفاهم میان سنی و شیعه، بسیار اعتقاد داشت. معظم‌له در دوره زعامت خود تا حد ممکن با این فکر، با مؤسسه «دار التقریب» همکاری داشت. برای اولین بار بعد از چندصد سال بین زعیم روحانی شیعه و زعیم روحانی تسنن، شیخ عبدالمجید سلیم و بعد از ایشان شیخ محمود شلتوت (مفتی و رئیس جامع الازهر) روابط دوستی برقرار شد و نامه‌ها مبادله گردید که در نتیجه به صدور فتوای تاریخی معروف در مورد به رسمیت شناختن مذهب شیعه انجامید. ۷.

در اواخر زعامت آیت‌الله بروجردی (به تعبیر استاد علی دوانی) در آذرماه سال ۱۳۳۷، جمعی از علمای شیعه بر محوریت یکی از مراجع وقت: آیت‌الله سیدکاظم شریعتمداری، گروهی را تشکیل دادند که در رابطه با: ۱- تبیین عقاید صحیح اسلامی و ۲- راهنمایی جامعه مسلمانان در ابعاد اخلاقی - اجتماعی، مجله‌ای را انتشار دادند که هم زبان گویای حوزه علمیه قم باشد و هم عالمان شیعه رابطه فرهنگی-مطبوعاتی خود را با مسلمانان برقرار نمایند.

این مجله به نام «مکتب اسلام» با امتیاز اجتهادی آیت‌الله شریعتمداری منتشر گردید.

در شماره اول مجله مکتب اسلام، هدف این نویسندگان که به قلم آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی تحریر یافته بود، چنین آمده است: «نویسندگان این کتاب (که فعلاً به صورت جزوات کوچک منتشر می‌شود) با در نظر گرفتن این حقیقت (انحراف عصر پهلوی) بر خود لازم دانستند با عزمی راسخ که از تشخیص صریح حقیقت سرچشمه می‌گیرند، تا آنجا که ممکن است و قدرت دارند آنچه را برای بیداری افکار و رسیدن به این مقصود نافع می‌بینند، در دسترس عموم بگذارند و روح تعلیمات اسلامی را چنانکه باید در خلال «بحث‌های متنوعی» که همه یک هدف را تعقیب می‌کنند، تشریح کنند.

نویسندگان این مجموعه، با استمداد از پیشگاه خداوند متعال، می‌خواهند به سهم خود مسلمانان را به نکات حساس تعلیمات اسلام آشنا و دورافتادگان را نزدیک و بیگانگان از اسلام را راهنمایی و ذخائر علمی اسلام را تا آنجا که وضع چنین نشریه‌ای اقتضاء می‌کند، معرفی و از

مسائل اجتماعی و ارتباط با جهان اسلام، عمده‌اینکه این گروه، از آموزش‌های شیخ محمد عبده متأثر بوده و فهم و درک و ذهنیت لطیف و توسعه یافته، از امتیازات این گروه است.

یقیناً در تأسیس و راه‌اندازی مجله «رسالة الاسلام» زبان - جماعة التقریب بین المذاهب الاسلامیه -، این گروه حضور دارند.

استاد محمد واعظ‌زاده خراسانی در چاپ دوم مجله «رسالة الاسلام» که از سوی «مجمع التقریب بین المذاهب الاسلامیه» و «آستان قدس رضوی» تجدید چاپ گردید، عالمان بزرگی را از بنیانگذاران و نویسندگان مجله «رسالة الاسلام» یاد می‌کند:

از جامعه تشیع:

- آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء
- سید هبه‌الدین شهرستانی
- سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی
- شیخ محمدصالح مازندرانی (سمنانی)
- شیخ محمدجواد مغنیه
- شیخ عبدالحسین رشتی
- شیخ عبدالحسین ابن‌الدین
- شیخ محمدتقی قمی
- آیت‌الله سید صدرالدین صدر
- آیت‌الله سید محمدتقی خوانساری
- آیت‌الله سید حسین بروجردی را نام می‌برد.

و از علمای ازهر و تسنن:

- شیخ عبدالمجید سلیم
- شیخ محمود شلتوت
- شیخ محمد ابوزهره
- محمد محمد المدنی
- شیخ عبدالمعتال الصعیدی
- شیخ عبدالعزيز عیسی و دیگران...

و از نویسندگان مشهور مصری: احمد امین مؤلف فجر الاسلام، عباس محمود العقاد، محمد فرید و جدی و دیگران. بیشترین این بزرگان در همان شماره‌های اول مجله «رسالة الاسلام» به عنوان افتتاح این مجله، مقاله نوشته‌اند که مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ۵.

بیانیه «دار التقریب» و رسالة الاسلام هیأت «جماعة التقریب» برای تدوین و نشر مجله، اساسنامه‌ای تنظیم کرده بودند که بر مبنای آن، راه خود را در نشر مجله ادامه دهند. اصول این اساسنامه، در پاسخ اعتراض نامه‌ای از دربار پادشاهی وهابی مذهب سعودی: ملک عبدالعزیز آل سعود، چنین آمده است:

۱- جماعة التقریب نمی‌خواهد با فقه اسلامی تعارض نماید و مذهبی را در داخل مذهب دیگر اندماج نماید. بلکه به عکس، اختلاف نظر مذاهب فقهی را افتخاری برای مسلمانان می‌داند که به وسعت فکر و اندیشه و گستردگی آفاق ذهنی، غنا بخشیده و ثروت عظیم علمی به وجود آورده‌اند و در پناه این اختلاف آراء و مذاهب، مصالح مسلمین را که خداوند در میان امت اسلامی گذاشته است، استیفاء می‌نمایند.

آنچه جماعة تقریب انجام می‌دهد، تلاشی است که در رشد فقه اسلامی صورت می‌گیرد و می‌خواهند هر چه بهتر و مبسوط‌تر پرتو فقه اسلامی را بر همه شئون زندگی اسلامی، گسترش دهد و حکم خدا را درباره مسائل و مشکلات حال و آینده جهان اسلام، بیان کنند. ۲- جماعة التقریب، فقط از صاحبان مذاهبی که به مذهب خود اعتقاد دارند و عقاید صحیح خود را از آن می‌گیرند، استمداد می‌کند و کمک می‌طلبید.

۳- جماعة» برخی کسانی که خود را به مذهبی انتساب می‌دهند و برخی معارف و افکار را که ارتباطی با عقاید صحیح ندارند، انگیزه‌ای و وسیله‌ای برای تخاصم و دشمنی و تنایز به القاب (اتهام کفر و نفاق) میان مسلمین می‌پردازند و وسیله‌ای برای استعمارگران شده‌اند، موضع‌گیری دارند.

۴- جماعة التقریب، ایمان دارند که مهم‌ترین وظیفه مذهبی که برای هر صاحب نظر و اندیشه‌ای (بر حسب اختلاف طوائف و مذاهب اسلامی) لازم است، آگاه‌سازی

پوشش به شمار می رود.

هم چنین ترمیم مواجهه صحیح با غرب و دریافت دقیق مطالعات فلسفی و هویتی غرب و نیز اجتناب از اتکاء به نظریات روشنفکران غرب زده که صرفاً در راستای ارائه شکل صوری و ظاهری غرب تلاش می کنند می تواند در ایجاد عمق معرفتی ظرفیت های بی بدیل تمدن هویت ایرانی اسلامی موثر واقع گردد.

باید اذعان کرد متأسفانه وابستگی به اقتصاد نفتی و ترویج مصرف گرایی و غفلت از اقتصاد مقاومتی در جامعه توان تفکر و تولید اندیشه ایرانی اسلامی را از نخبگان در ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی بالآخص در مقوله زیبایی شناسی پوشش سلب کرده است که باید برای رفع این نقیصه چاره اندیشی نمود.

هم چنین باید متذکر شد رویکردهایی که در سال های اخیر و تحت عنوان سبک پوشش اسلامی به مردم ارائه می شود آنچنان قابل پذیرش و قابل دفاع نیست و در تضاد کامل با الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت و منویات مقام معظم رهبری قرار دارد زیرا تلفیق کودکانه مظاهر پوشش در غرب با صورت اسلامی در واقع همان ارائه سبک تمدنی و هویتی غربی است که تنها ظاهر آن دستخوش تغییراتی اندک شده است که می توان به آن بازتولید اسلامی مدرنیسم اطلاق نمود.

بنابراین راهکار خروج از این بن بست هویتی این است که ضرورت شناخت شناسی سیر تاریخی پوشش در طول تاریخ باشکوه این مرز و بوم و نیز بهره گیری از هزاران سال تمدن ملی و اسلامی و استفاده از آموزه های زیبایی شناسانه در بازتولید سنت ایرانی اسلامی شیعی در مراکز و نهادهای مختلف علمی به ویژه حوزه های علمیه و دانشگاه ها مورد توجه قرار گیرد تا در عمل اصل پوشش به عنوان مقوله ای هویت ساز در سبک زندگی اسلامی، زمینه ساز تحقق الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت گردد.

[۱] Life Style

[۲] سوره مبارکه ی فرقان، بخشی از آیه ی ۶۳.

[۳] «فطرت» واژه ای عربی بر وزن فَعْلَة از ریشه فطر و به معانی شکافتن و «آفریدن و ایجاد اولیه و بدون سابقه» ابداع است.

[۴] اعراف، آیه ۱۷۲.

دکتر مهدی گلشنی:

چرا برخی در هر حوزه ای نظر می دهند؟

باید داشته باشند.

این استاد فلسفه علم تأکید کرد: امروز دیگر اینطور نیست که هر کسی در یک رشته ای تحصیل کرد در همه حوزه ها بتواند نظر بدهد، دنیای امروز، دنیای تخصص گرایی است هر امر ریزی نیز نیاز به تخصص دارد کما اینکه در حوزه علوم فنی و تجربی نیز همینطور است.

وی همچنین اظهار داشت: یکی از مهمترین نقش های علوم انسانی در جامعه در حوزه فرهنگ سازی معنا پیدا می کند، فرهنگ هویت ملی ما را تشکیل می دهد بنابراین جوانان بدون اطلاع از فرهنگ بومی دچار مشکل در جامعه می شوند. دانشگاه های ما باید به آموزش های مهم در این حوزه برای دانشجویان توجه کنند.

عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی با تأکید بر اینکه هویت و فرهنگ عواملی هستند که در جوامع غربی سال ها بر روی آن کار شده و سرمایه گذاری خاصی بر روی جوانان صورت گرفته است، گفت: بسیاری از دانشجویان ما هستند که در حوزه های علوم تجربی و فنی در دنیا سرآمد شده اند اما به لحاظ هویتی مشکل دارند باید مقداری دروس علوم انسانی در سایر حوزه ها نیز گنجانده شود.



دکتر مهدی گلشنی، مدیر گروه فلسفه علم دانشگاه صنعتی شریف و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره وضعیت علوم انسانی غربی و مقایسه آن با علوم انسانی اسلامی گفت: جهان بینی مادی گرا به علم انسانی غربی منتج شده است. درست است که این نوع علوم انسانی به تکنولوژی انجامیده اما نباید از نیازها و دغدغه های بشری که در این مسیر نادیده انگاشته شده، غفلت کنیم.

وی گفت: انسان علاوه بر نیازهای مادی، دارای نیازهای دیگری هم هست که باید آنها هم تأمین شود، بنابراین انسان نیمه مادی و نیمه روحانی و معنوی است، اینطور نیست که نیازهای انسانی تنها به خواب و خوراک و مسائل مادی خلاصه شود، همه این موارد تنها یک سوم یا نیمی از نیازهای انسانی را تأمین می کند و در سایر موارد باید بتوانیم به ابعاد معنوی و روحی انسان توجه کنیم که این همان چیزی است که علوم انسانی را می سازد.

گلشنی با اشاره به اینکه تخصص گرایی در عرصه علوم انسانی کشور بسیار حائز اهمیت است، گفت: متصدیان حوزه علوم انسانی نباید افراد فنی باشند همچنین تخصص لازم را نیز در پست های مختلف

درآمدی بر سبک زندگی از منظر اسلام و دیگر مکاتب

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مختاری رئیس پژوهشگاه مطالعات تقریبی



گام برداشت، بلکه توجه اساسی به فطرت و نیاز به حکمت اسلامی حاکی از ضرورت ترسیم مقوله سبک زندگی بر مبنای دین و فطرت است و الا دچار اباحه گری خواهیم شد.

از این رو فطرت آیینهای است که حقیقت در آن وجود دارد «لست بریکم قالو بلی» [۴] به این معناست که انسان ها در وجود خود حقیقت را دارند و فقط مذکر می آید و تذکر می دهد یعنی محتوا موافق فطرت است.

هم چنین اهتمام به سبک زندگی بدون دخالت دین و فطرت، محوریت را صرفاً به زندگی روزمره و عادی مردم و اباحه گری خواهد داد اما در اندیشه دینی و منطبق با فطرت حیثیت وجودی انسان مورد بررسی قرار می گیرد که در این صورت نیاز به حکمت پدید می آید. با این تفاسیر در مقابل اندیشه غریزه محور در سبک زندگی غربی، اندیشه حکمت محور شکل می گیرد که برخلاف نگاه زندگی محور به سبک جوامع اومانیستی که اصالت را به غریزه می دهد، لیکن اندیشه حکمت محور توجه به غریزه را معطوف به زندگی کردن مطرح می کند و افراط در آن را امری ناپسند می داند.

لذا در بیان چیستی سبک زندگی اسلامی به طور اجمال می توان عنوان نمود، سبک زندگی اسلامی ناظر به رفتار شخصی، زندگی جامعه و تکامل اجتماعی است و نیز تامل در مفهوم قرآنی و حدیثی آن می رساند الگوها و ایدئولوژی فراگیری که آیات و روایات برای زندگی تعریف می کند همان سبک زندگی اسلامی خواهد بود.

در خاتمه امید است اهتمام همه نخبگان در جامعه اسلامی در مسیر شناخت چیستی مقوله سبک زندگی و تحقق آن منحصر گردد که در صورت اجرای این مهم می توان به معنای واقعی تمدن سازی نوین اسلامی را مدعی گردید، زیرا پیگیری دقیق و حساب شده برای بومی سازی مقوله سبک زندگی نیازمند هم فکری همه نخبگان در جامعه اسلامی است که مهمترین شاخصه در این امر نیز طرح مباحث نرم افزاری و بازتولید معارف اسلامی در جامعه و به تبع آن استقرار و تحقق سبک زندگی اسلامی است.

پوشش؛ مقوله ای هویت ساز در سبک زندگی اسلامی

ضرورت تحقق سبک زندگی اسلامی در چند دهه اخیر به عنوان یکی از مهمترین شاخصه های هویتی تمدن نوین اسلامی مورد توجه قرار گرفته است؛ از این رو لزوم واکاوی اجزاء بنیادین تشکیل دهنده آن و تبیین مطلوب و بهینه شاخصه های وجودی این مسأله می تواند دغدغه مندان فرهنگی کشور را به حصول روش شناسی پایدار در بسط و گسترش آموزه های دینی و اسلامی در رفتار و زندگی روزمره مردم رهنمون سازد. بی تردید اصل پوشش به عنوان یکی از مظاهر تمدنی و هویتی این سرزمین به شمار می رود لذا برای ترسیم هر چه بهتر ارتباط سبک زندگی و فرهنگ تمدنی و ملی باید مقوله پوشش را در نظر داشت؛ در واقع از سبک پوشش یک جامعه می توان فهمید استقرار هویتی آن جامعه در چه وضعیتی قرار دارد.

حال با این اوصاف می توان این پرسش کلیدی را مطرح نمود که به راستی چرا سبک و سیاق پوشش مردم در جامعه دچار نابسامانی های متعدد شده است به نحوی که به جرأت می توان پوشش جامعه را در واقع آئینه تمام نمای پوشش جوامع غربی دانست؟ به راستی اهتمام به بسط و گسترش لباس ملی و اسلامی در جامعه و در میان مسئولان فرهنگی کشور در چه جایگاهی قرار دارد؟ آیا روند موجود در جامعه را نمی توان آمریکایی یا اروپایی شدن سبک پوشش نامید؟ به راستی سیر تاریخی استحاله هویتی در امر پوشش در جامعه از چه زمانی آغاز شده است و راهکارهای برون رفت از این چالش مهم اجتماعی چیست؟

باید اذعان نمود تنوع فصلی و جغرافیایی در ایران گنجینه ای از تعدد تحسین برانگیز سبک پوشش را در

تأملی در ماهیت و چیستی مقوله «سبک زندگی اسلامی»

در دوران گذشته بشر بر مبنای امور حقیقی و معنوی زندگی برای حیات بشری اقدام می نمود، لذا شکل و ظاهر زندگی نقش محوری را ایفا نمی کرد و جامعه تا این حد به ظاهر و شکل زندگی نمی پرداخت، بلکه هدف رسیدن به اهداف عالی و حقیقی بود، لذا مردم زندگی خود را در عالمی ماوراء این عالم جستجو می کردند، اما دنیای مدرن با محور قرار دادن شکل و ظاهر زندگی، روح و روان بشر را به اینگونه مباحث به عنوان دغدغه ای مهم و راهبردی مشغول نمود.

بنابراین واژه سبک زندگی، واژه ای است که ابتدا در فرهنگ مدرنیته مطرح شد زیرا بشریت در دو بیست سال گذشته موضوعی به نام سبک زندگی در محاورات خود نداشت و اساساً چنین پرسشی در آن زمان بی معنا بود، ولی امروزه این واژه آنچنان از گفتمان معنایی برخوردار است که باید به طور جدی به آن پرداخته شود.

اینگونه است که مقوله سبک زندگی و تأمل در رفتارهای روزمره و عادی بشر در نیم قرن گذشته مورد توجه بسیاری از جامعه شناسان، فیلسوفان و اندیشمندان در حوزه فرهنگ قرار گرفته است، زیرا مسأله قدرت عمومی مردم و تأثیرات متقابل آن بر جامعه پیرامونی به ویژه در تقابل با کانون های قدرت و ثروت، اندیشمندان را به تفکر و اندیشه در بسیاری از ابعاد و زوایای زندگی روزمره مردم واداشته است.

با این تفاسیر باید گفت منشأ مسأله سبک زندگی از غرب آغاز شده است و به تبع آن موضوع سبک زندگی در سایر ملل موضوعیت یافته و روح و روان افراد را به خود مشغول ساخته است.

در عصر حاضر جامعه مدرن با تاثیر مستقیم بر بسیاری از جوامع مختلف، سبک و استایل زندگی [۱] غربی را برای آن اجتماع به ارمغان آورده است که این امر خود باعث واکنش های بعضاً متضاد و پارادوکسیکال در جامعه هدف شده است.

زیرا در دنیای مدرن پیشرفت محوری به عنوان امری کلیدی برای سبک زندگی غربی موضوعیت یافته است که مقوله پیشرفت، محوریت فناوری بر پایه عرضه و تقاضا صورت می پذیرد، لذا اندیشه پیشرفت گرایی یک آسیب است که کمیت گرایی، تجربه محوری، و نیز فنی و فناوری محوری از کارکردهای اصلی اندیشه پیشرفت محوری در سبک زندگی غربی مطرح شده است.

گفتنی است با بسط و توسعه محوریت پیشرفت در جوامع مختلف، ارزش های انسانی و الهی جایگاه واقعی خود را از دست داده اند و سود محوری جایگزین این ارزش ها شده است، حال با این اوصاف می توان گفت محوریت علوم فنی در سبک زندگی غربی حتی جایگاه واقعی علوم انسانی را تنزل داده است زیرا علوم انسانی بر خلاف علوم فنی انسان را به سمت تعالی رهنمون خواهد ساخت.

لیکن در سوی دیگر سبک و سیاق زندگی منبعث از آموزه های اسلامی و قرآنی قرار دارد که با بهره گیری از آموزه هایی همچون آیه «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا» [۲] بندگان (خاص خداوند) رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می روند؛ عمق تأثیر اندیشه بر رفتار و سبک زندگی آدمی را به منصف ظهور رسانده است، لذا به جرأت می توان مدعی گردید تنها گفتمانی که می تواند در مواجهه سبک زندگی غربی به صورت کارآمد و پویا عمل نماید اختصاصاً گفتمان سبک زندگی اسلامی است.

بی شک مفهوم سبک زندگی لزوماً نه بر مبنای ایده سودمحوری و پیشرفت گرایی غربی و اصالت ماده بلکه بر مبنای اندیشه زندگی حکیمانه تعریف می شود که این مقوله را می توان بر مبنای دین و فطرت بنیان نهاد [۳] حال بهتر می توان به نقش انکار ناپذیر آموزه های دینی در تحقق سبک زندگی منطبق بر حیات طیبه اقدام نمود زیرا بدون تحقق مسأله شناخت شناسی در عرصه دین نمی توان برای تحقق سبک زندگی اسلامی

اشاره

محمدحسین هیگل، روزنامه نگار و فعال سیاسی پراوازه مصری که در ۲۸ بهمن ۱۳۹۴ چشم از جهان فروبست، همانگونه که در زمان حیات خود تأثیرگذاری‌هایی در صحنه رسانه‌ای و سیاسی منطقه و جهان داشت بعد از فقدان نیز به دلیل بازنشر نوشته‌ها و مصاحبه‌هایش تأثیرگذار است. این روزها بسیاری از مطالب هیگل به ویژه آنچه وی درباره انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی نوشته یا گفته است توسط رسانه‌ها و افراد مختلف منتشر می‌شود که بعضی از آنها نیاز به تصحیح و توضیح دارند زیرا وی در عین حال که فرد معتبری بود، اشتباهاتی نیز داشت.

استاد سیدهادی خسروشاهی با نگارش مقاله‌ای در چند قسمت به تصحیح اشتباهات و البته تبیین افکار و دیدگاه‌های محمدحسین هیگل پرداخته است که از این شماره به تدریج آن را منتشر می‌نمایم. ضمناً توجه به این نکته نیز لازم است که درک صحیح بعضی مطالب به ویژه آن قسمت که مربوط به مواضع مرحوم آیت‌الله کاشانی است نیازمند در نظر گرفتن شرایط خاص زمانی است که آن مواضع اتخاذ شده است.

* * *

سابقه آشنایی

... حدود نیم قرن پیش، در اوج مبارزات مخفی طلاب و فضایی حوزه علمیه قم علیه رژیم، پس از تبعید امام خمینی (ره) و انتشار دوماهنامه مخفی بهشت و انتقام توسط دوستان مبارز در حوزه علمیه قم و دستگیری و زندانی شدن دو نفر از آنان، یعنی: آیت‌الله هاشمی رفسنجانی و شادروان حجت الاسلام و المسلمین علی حجتی کرمانی، و هجرت اجباری برادر دیگرمان حجت الاسلام و المسلمین آقای سید محمود دعائی، روزی از زندان، توسط همسر محترم شادروان علی حجتی کرمانی، پیامی رسید که: «مواظب خودتان باشید، به دنبال شما هستند!» و این هشدار با توجه به شرایطی که برای دوستان به وجود آمده بود، کافی بود که من شبانه با قطار عازم خرمشهر شوم و در آنجا یک شبانه روز میهمان مرحوم آیت‌الله خاقانی بودم و روز بعد، با راهنمایی ایشان، عازم آبادان شدم و در مدرسه علمیه آبادان که زیرنظر مرحوم آیت‌الله قائمی اداره می‌شد و پناهگاه فضلاء و طلاب مبارز بود، اسکان یافتیم و پس از یکی دو روز که به توصیه ایشان، از حجره بیرون نیامدم، به صلاحدید آن مرحوم، به طور قاچاق، سوار بر «بلمی» همراه چند نفر دیگر، از شط عبور کرده و راهی عراق شدم... و البته در این سفر با مشکلاتی چند روبه‌رو شدم که به یاری حق بخیر گذشت و از بصره عازم نجف اشرف شدم و در نجف، میهمان ناخوانده مرحوم آیت‌الله شیخ عباسعلی عمید زنجانی، در مدرسه بروجردی بودم و با توفیقی اجباری که نصیب شده بود. چند صبحی دروس مراجع وقت حضور یافتیم...

... مدتی گذشت خواستم به زیارت اماکن مقدسهٔ سامرا و کاظمین بروم که دوستان «منع» کردند و گفتند: بدون کارت شناسایی، سفر به بغداد و کاظمین، منطقی نیست و اگر دستگیر شوید یا تحویل ایران می‌دهند و یا در عراق، به زندانی بدتر از زندان‌های ایران ... و راه حل آن شد که مرحوم علامه بزرگوار آیت‌الله شیخ محمدمهدی آصفی که در آن زمان از فضایی جوان و روشنفکر نجف اشرف محسوب می‌شد یک کارت شناسایی - یا هویت الطالب - به عنوان طلبه «مدرسهٔ التحریر الثقافی» نجف به دست آید و پس از آن ورقه، من همراه فاضل محترم قمی - نجفی آن زمان جناب شیخ محمود خلیلی (حفظه الله) پس از کربلا، عازم کاظمین شدیم و در مدرسه علمیه آنجا، در حجره یکی از طلاب اقامت کردیم... و روزی، پس از انجام مراسم زیارت عتبات امامین همامین در کاظمین، از آقای خلیلی خواستم که سری به بغداد و کتابفروشی‌های آن بنزیم؟...

... همراه ایشان به بغداد رفتیم و در «شارع المتنبی»

حدیث روزگار - ۱

هیگل و ایران

استاد سید هادی خسروشاهی



قم: زمستان ۱۳۷۱

۱- رهبر حرکت، در تهران

صدای آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی در تمام گوشه و کنار جهان می‌پیچد... و او همچنان می‌غرد: - سگ‌های انگلیس! از کشور ما خارج شوید و نفت ما را رها کنید. رزم‌آرا که با چهار گلوله از میدان اخراج شد، موقعیت را کاملاً تحت سیطره و نفوذ آیت‌الله در آورده است. تهران افسانه‌های گونه‌گونی از آیت‌الله نقل می‌کند. اولین قسمت از سری عجائب، قصه تظاهرات بزرگی بود که آیت‌الله به هنگام بررسی لایحهٔ نفت در مجلس به آن امر کرده بود. سیل جمعیت از طریق خیابان‌هایی که به میدان بهارستان منتهی می‌شد، در حال فریاد و شعار دادن پیش می‌رفتند. در تهران شایع شده بود که، پلیس در صورت نزدیک شدن جمعیت به پارلمان، دستور دارد که به سوی آنها تیراندازی کند! خبر به آیت‌الله نیز رسیده بود. ناگهان آیت‌الله خطاب به پسرش فریاد زد: «کفن مرا بیاور!» کفن برای ایشان آورده شد. آیت‌الله بعد از غسل و دو رکعت نماز، کفن را پوشید و با استقبال از مرگ، در پیشاپیش جمعیت به راه افتاد.

توده‌های عظیم تظاهر کننده با مشاهده کفن‌پوشی آیت‌الله، به بشکه بزرگی از باروت تبدیل شد و گویا خود آیت‌الله چون آتشی در میان باروت قرار داشت. مردم در خیابان‌های تهران با خروشی چون امواج دریا و آذرخشی مانند قضا و قدر الهی، به سوی پارلمان پیش می‌رفتند. ولی هنگامی که مردم به محل پارلمان رسیدند به ناگاه، افراد پلیس که در بالای ساختمان مجلس موضع گرفته بودند مواضع خود را ترک کردند، زیرا طبق یک دستور از کاخ «مرمر» گفته شد که در مقابل آیت‌الله مقاومت نکنید... داستان زندگی آیت‌الله کاشانی ساده، ولی مانند طوفان تند و نیرومند است!...

نام آیت‌الله، سید ابوالقاسم کاشانی است و در خاندانی بزرگ در اطراف خراسان به دنیا آمده است و اینک وی از لحاظ نفوذ معنوی و قدرت نیرومندترین رهبر شیعه به حساب می‌آید. ویژگی قدرت این مرد در نحوهٔ اقدامات وی نهفته است که همواره خواسته‌های خود را به موقع اجراء می‌آورد... وقتی که آیت‌الله کاشانی به سیاست روی آورد صدایش در میان قبیله‌ها و توده‌ها پیچید و از مرزهای ایران نیز گذشت، یعنی از سمت شرق به افغانستان رسید و از غرب در عراق شنیده شد و شاید طولی نکشد که آیت‌الله مقام رهبری مطلق شیعه را به دست آورد.

دشمنی سرسختانه آیت‌الله کاشانی با انگلیس مشهور است. در سال ۱۹۴۱ که رشید عالی گیلانی در عراق بر علیه استعمار انگلیس قیام کرد، پشتوانهٔ معنوی انقلاب وی، آیت‌الله کاشانی بود، و مثلی که در آن زمان بر بغداد حکومت میراند، عبارت بود از: رشیدعالی گیلانی - رهبر انقلاب، حاج امین الحسینی (مفتی اعظم قدس) و آیت‌الله کاشانی رهبر نیرومند شیعه...

انقلاب گیلانی در برابر انگلیس با شکست مواجه شد و آیت‌الله کاشانی در کنار همزمانش - گیلانی و حسینی - از مرز عراق به سلامت وارد ایران شدند. ولی زمانی که انگلیس‌ها وارد تهران شدند اولین کارشان این بود که، منزل آیت‌الله را به وسیلهٔ تانک‌ها و زره‌پوش‌های خود محاصره کردند و سپس وی را به خارج از ایران تبعید نمودند.

که در واقع مرکز ثقافی و محل تجمع اهالی شعر و ادب و کتاب و فرهنگ بود، به گشت و گذار در کتابفروشی‌های معتبر آنجا پرداختیم... کتاب زیاد و دینار برای خرید کتاب مفقود!... ناچار به کتابفروشی‌هایی که بساط خود را در پیاده‌روها پهن کرده بودند، سرزدیم و چند کتاب ارزان قیمت! به دست آمد که خریدیم و یکی از آن‌ها «ایران فوق برکان» نام داشت که چندین فلس بیشتر قیمت نداشت و مؤلف آن نویسنده ای مصری به نام «محمدحسین هیگل» بود... ... یکی دو روز بعد، به نجف برگشتیم و در حجره جناب عمید زنجانی که به جد مشغول

تحقیق در فقه و اصول! بود کتاب «ایران فوق برکان» را مطالعه کردم. فصولی درباره حوادث مربوط به دوران نهضت ملی شدن صنعت نفت در ایران داشت... و نویسنده، به عنوان گزارشگر روزنامه معروف مصری: اخبار الیوم، آنها را تهیه و تنظیم کرده و پس از انتشار در روزنامه، به شکل کتابی مستقل منتشر ساخته بود... کتاب، در کل در حال و هوای انقلابی آن دوران ایران نوشته شده بود و محتوایی از لحاظ نگارش و نوع ادبیات به کار رفته، متناسب با شور انقلابی مردم ایران بود... با عکس‌هایی که جالب از رجال ایران و تظاهرات مردم و متن مصاحبه‌ها با شخصیت‌های برجسته و در طلیعه آنها، مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی که در واقع رهبری معنوی - سیاسی نهضت را به عهده داشت و همه جناح‌های مذهبی و ملی زیر پرچم ایشان، به طور متحد گرد آمده بودند تا نهضت پیروز شود.

... کتاب را به هنگام مراجعت به ایران، همراه خود آوردم و در مکتبه حقیر، جابخوش کرد! تا اینکه به مناسبت تهیه و نشر ویژه نامه مجله «تاریخ و فرهنگ معاصر» (که زیر نظر اینجانب در «قم» منتشر می‌شد) درباره آیت‌الله کاشانی - فصل مربوط به معظم له را، ترجمه کردم که با مقدمه ای کوتاه، در شماره ۶ و ۷ آن فصلنامه، مورخ زمستان ۱۳۷۱ با مقدمه ای کوتاه و با امضای: ابورشاد! منتشر گردید...

... و این، چگونگی آشنایی ذهنی و غیرحضورى با نویسنده آن بود و اینکه به مناسبت درگذشت مؤلف آن، شادروان محمدحسین هیگل، ترجمه آن مقال را با ویرایشی کوتاه، به عنوان بخش نخست از خاطرات مربوط به محمدحسین هیگل در اینجا می‌آوریم... به امید آنکه تنظیم و نشر بقیه قسمت‌ها نیز توفیق حاصل آید. اینک مقدمه و متن ترجمه مقال!:

ایران بر فراز آتشفشان!

اشاره

محمدحسین هیگل، نویسنده معروف مصری، در اوج بحران نهضت ملی به تهران آمده و مدت یک ماه در ایران به سر برده است. او حوادث آن ایام را به روزنامه «اخبار الیوم» چاپ قاهره گزارش می‌کرده و سپس، مجموعه مقالات خود را در این رابطه، تحت عنوان: «ایران فوق برکان» - ایران بر فراز آتشفشان - توسط «اخبار الیوم» و به عنوان مهمترین کتاب سال، منتشر ساخته است.

نسخ این کتاب که در سال ۱۹۵۰ م در قاهره به چاپ رسیده و مطالب آن از قول یک شاهد، می‌تواند مورد توجه قرار گیرد، به سرعت نایاب گردید و اکنون نیز جزء آثار محمدحسین هیگل، به چاپ نمی‌رسد!... شاید به علت محتوای تند و انقلابی، «مصلحت‌گرایی» باعث شده که دیگر در فکر چاپ مجدد آن نباشد!...

علاوه بر مطالب، در این کتاب عکس‌های جالبی هم آمده که جنبهٔ تاریخی دارد و توسط خبرنگار و عکاس روزنامه «اخبار الیوم» تهیه شده است... و ما به مناسبت بزرگداشت خاطره آیت‌الله کاشانی، فصل چهارم این کتاب را - صفحه ۷۵ تا ۹۸ متن عربی - ترجمه کرده و در این ویژه‌نامه، همراه عکسی از مرحوم سید غلامرضا سعیدی و هیگل در خدمت آیت‌الله، می‌آوریم. به امید آنکه مورد قبول حق قرار گیرد.

ابورشاد

بخش اول

آیت‌الله لبنان را برای تبعید پذیرفت تا اینکه از میهن خود زیاد دور نباشد و بتواند مسائل ایران را پی‌گیری کند و همین نکته راز پیروزی او را در انتخابات روشن می‌سازد. آری او در تبعید بود ولی در تهران به نمایندگی مجلس شورای ملی انتخاب شد! و اکنون دیگر مفهومی ندارد کسی که به نمایندگی مجلس انتخاب شده در تبعیدگاه بماند، لذا دولت با عزت و احترام از ایشان دعوت نمود که به وطن خود باز گردد. (به پیوست اول در آخر مقال مراجعه شود)

مراسم استقبال از رهبر تبعیدی چنان پرشکوه بود که تهران نظیر آن را قبلاً به خاطر نداشت. بیش از نیم میلیون نفر، زن و مرد، کودک و بزرگ، فرودگاه مهرآباد را در بر گرفته بودند و در محوطهٔ فرودگاه، رجال مملکت و وزراء کابینه، به صف ایستاده بودند!... وقتی که آیت‌الله کاشانی با اتومبیل از فرودگاه خارج شد، منظره بی‌نظیری بود. مردم اتومبیل او را با سرشنینانش روی دست‌های خود گرفته و به شهر بردند. آیت‌الله بدون اتلاف وقت، مشغول تنظیم صفوف یاران خود برای ادامه مبارزات ملی شد و چیزی نگذشت که به قله آمادگی رسید و نفوذ فراگیر خود را در همه زمینه‌ها توسعه داد...

نفوذ معنوی آیت‌الله کاشانی در قلب‌های مردم بود، و نفوذ مادی وی، اموال همه مردم شیعه بود، که داوطلبانه یک پنجم درآمد سالانه خود را به عنوان «خمس» به ایشان تقدیم می‌کردند، و نیروی انسانی ایشان، همهٔ طلاب علوم دینی حوزه‌های علمیه نجف و قم و دیگر حوزه‌های شهرهای ایران بود و البته خطبا و وعاظ و ائمهٔ مساجد هم در همه جا، ثناگوی آیت‌الله و مدافع وی بودند. بدین ترتیب آیت‌الله بر همهٔ مردم کوچه و بازار سیطرهٔ کامل داشت، ولی او می‌خواست که پارلمان و افکار آگاهانی را که در حوزه پارلمان بود نیز در اختیار داشته باشد، تا بتواند خواسته‌های نهضت خود را بدون مقاومت مؤثری به مرحله اجراء درآورد، از این رو، فراکسیون جبهه ملی در مجلس به وجود آمد که اکثر اعضاء آن از فارغ‌التحصیلان دانشگاه «سوربن» بودند و همهٔ آنها به ریاست دکتر محمد مصدق زیر پرچم آیت‌الله کاشانی گرد آمدند و رهبری آیت‌الله را از جان و دل پذیرفتند...

وقتی که دیپلمات برجسته انگلیس «لرد و نسنپارت» در مجلس لردهای انگلیس در سخنانی به آیت‌الله حمله کرد، به دنبال او وزیر خارجه انگلیس دربارهٔ آیت‌الله گفت: «این تحریک‌کنندهٔ تروریست عامل اصلی حوادث فاجعه‌آمیز ایران است!» به دنبال این اظهارات نمایندگان ملی مجلس آیت‌الله را به ریاست مجلس انتخاب کردند تا این رفتار شکستی برای انگلیس، و یک پیروزی برای آیت‌الله باشد. به طوری که یکی از نمایندگان مجلس به نام دکتر بقائی در نطق خود علیه انگلیس گفت: «خاک نعلین آیت‌الله یک میلیون بار از کله‌های همه سیاستمداران انگلیس بیشتر شرافت دارد».

یکی دیگر از عوامل نفوذ آیت‌الله کاشانی، جمعیت فدائیان اسلام است. یعنی اگر آیت‌الله از نفوذ معنوی نتواند بهره مند شود از نفوذ ملی خود یعنی زبان خطابه و ائمهٔ جماعت استفاده می‌کند، و اگر از آن نیز ناامید گردد، به نفوذ سیاسی خود در مجلس ملی تکیه می‌کند، و اگر از آن هم نتیجه‌ای نگیرد از قدرت مادی خود، که ریشه در اموال همه شیعیان دارد، استفاده می‌کند و اگر آن نیز مؤثر نباشد، همهٔ آن قدرت‌ها را به کناری می‌نهد و آخرین سخن را به فدائیان اسلام می‌سپارد.

فدائیان اسلام چگونه سخن می‌گویند؟ سخنان آنان، از گلوله‌های سربی است! و جمله‌های آنان را رگبار مسلسل‌ها می‌نگارند!

۲- فدائیان اسلام

رهبر معنوی عالی‌رتبه جمعیت فدائیان اسلام، در واقع آیت‌الله کاشانی است، ولی رئیس اجرایی و مسئول مستقیم آن، شخص دیگری است...

ادامه در صفحه بعد

عرف، اراده شهریار، توافق مردمان، تاسیس خردمندان، اراده پیامبران و در کل هیچ کس دیگر نمی‌تواند قانون جعل کند. بر همین اساس ما در واقع کلمه و قوه‌ای به نام قوه مقننه نداریم. بر همین اساس است که یکی از موارد اختلاف مشروعه‌خواهان و مشروطه‌خواهان هنگامی که مشروطه مطرح شد همین قوه مقننه بود. مشروطه طلبان دفاع می‌کردند که این قوه مقننه نیست و در واقع برنامه‌ریز است و تشخیص مصادیق می‌دهد. در هر حال این گفت‌وگو حاکمی همان اصل مسلم توحید در تشریع بود. نکته دوم دیگری که از الزامات پذیرش توحید در تشریع است، این است که ما قرآن، سنت پیامبر، عقل و اجماع را منابع تشریع نمی‌دانیم. اگر بخواهیم دقیق صحبت کنیم این‌ها اسناد و ادله کاشف از اراده الهی است. نهادهی وجود دارد به نام اراده الهی، بعد از آن نهادهی به نام اسناد که شامل قرآن، سنت و عقل است، درست می‌شود. یعنی حتی فرمایش پیامبر به عنوان اینکه سندی است کاشف از اراده الهی معتبر است. در واقع سند همین اراده‌هایی است که بتواند اراده الهی را مکشوف کند.

اجتهادی که به آن اشاره می‌کنند عملیات قانونگذاری نیست، عملیات کشف شریعت است. یعنی همان اراده الهی یا گزاره‌هایی که اراده الهی جعل کند. مجتهد تلاش می‌کند که در فرایند استنباط به اسناد مراجعه کند تا از طریق این اسناد اراده الهی را بفهمد و در واقع اجتهاد می‌شود عملیات کشف.

طبیعتا خیلی از باورها تعدیل می‌شود و خیلی از باورها اصلاح می‌شود. مانند اینکه تصور شود فقیه قانونگذار است و یا اینکه تصور شود فقیه دستش باز است. مثل اینکه فقیه بگوید من الان مصلحت می‌بینم که این حکم باید باشد. یا فقهایی به شکل شوری جمع شوند و رای گیری کنند و برآیند آن شورا اجتهاد شود. خیر. این‌ها نیست.

ادامه در صفحه بعد

آیت‌الله متهمان را برای صرف غذا به منزل خود دعوت نموده است، زیرا این آیت‌الله کاشانی است که به عنوان حاکم شرع باید حکم را صادر می‌کرد. و پرونده اتهامی بسته می‌شد. قضات سپس چند رأس گوسفند را دیدند که در مقابل درب خروجی دادگاه نگه داشته‌اند و قرار بود که به دستور آیت‌الله کاشانی این قربانی‌ها در زیر پای نواب صفوی و یارانش ذبح شوند.

وقتی که قضات خواستند وارد محکمه شوند دیدند که نیمکت‌های تماشاگران را افراد ریش‌دار! پر کرده‌اند و چاره‌ای ندیدند جز اینکه به مقتضای حسن ظن آیت‌الله عمل کرده و حکم به برائت متهمین را صادر کنند و نواب صفوی و رفقایش از ساختمان دادگستری خارج شدند و تا منزل آیت‌الله با استقبال و شادمانی مردم روبرو شدند....

... وزیر دربار در چنین شرایطی وارد ماجرا شد و با نقشه‌هایی توانست آیت‌الله کاشانی را به خارج از ایران تبعید کند. آیت‌الله کاشانی به بیروت رسید، روزنامه‌های دنیا اخبار پیچیده‌ای را از ترور وزیر دربار ایران یعنی «هژیر» منتشر کردند. روزنامه‌های تهران هم بیانیه‌ای را از فدائیان چاپ کردند که شک مردم را به یقین تبدیل نمود. در همان ایام بود که قاتل هژیر در برابر بازپرس ایستاد و با رشادت گفت: نام من حسین امامی است، بلی من به دستور فدائیان اسلام هژیر را به قتل رساندم. ... آیت‌الله کاشانی دوباره به تهران بازگشت تا در میان طوفان‌هایی از شور و شوق مردم مورد استقبال قرار گیرد. کارها بدین شکل جریان داشت. آیت‌الله کاشانی الهام بخش مردم بود و نواب صفوی دستور می‌داد و طوفان‌های فدائیان اسلام هر روز به دنبال طوفان دیگری بر می‌خواست تا این که این بار خلیل طهماسبی در دادگاه ایستاده و گفت: بلی من رزم آرا را، به دستور فدائیان اسلام کشتم!

چیستی اجتهاد



به وسیله کتاب خدا و سنت پیامبر که منبع تشریع است، قضاوت خواهیم کرد. بر اساس این روایت پیامبر می‌گویند اگر حکمی را در قرآن و سنت نیافتی چه می‌کنی؟ جبل در پاسخ این سوال پیامبر می‌گوید که در این صورت من به رای خودم اجتهاد می‌کنم. پیغمبر با این فرمایش که «خداوند را شکر می‌کنم که دوستان من را به گونه‌ای تربیت کرد که خدا و پیغمبرش می‌خواستند» اما در قرآن مجید کلمه اجتهاد به این معنا نداریم. اما یک آیه شریف داریم که قرآن در آن اشاره به یک واژه می‌کند و ای کاش آن واژه بیشتر در تمدن اسلامی رواج پیدا می‌کرد. قرآن مجید در سوره مبارکه نساء در ابتدا از مسلمانان گله‌ای می‌کند و می‌فرماید که این چه عادت بدی است که هرچه می‌شنوید، خودتان پخش می‌کنید و در ادامه می‌فرماید که اخبار را باید به افراد اهل نظر بدهید تا به قول امروز خبر را دروازه‌بانی کنند. بعد از آن در این سوره مبارک به واژه استنباط اشاره می‌شود. استنباط از «نبط» می‌آید و نبط یعنی آب کشیدن از چاه بسیار عمیق. منظور چاه‌های سطحی و یکی دو متری نیستند، بلکه کشیدن آب قراح از چاه‌های عمیق است و نه آب‌های گل‌آلود. از این لغت وام گرفته شده است برای هر دانشی که اینچنین به دست بیاید. من در اینجا نظری بیان می‌کنم و نمی‌دانم دیگر بزرگان تا چه اندازه با نظر من موافق هستند. واقعیت این است که ما می‌گوییم دین پیامبر اسلام، خاتم است. معنای خاتم‌الانbia این است که پیامبر اکرم نبوت را قطع کرده است و یا دین را؟ اگر دین را ختم کرده باشد، دیگر دوران دینی تمام شده

به تصور اینکه کسروی مرده است او را رها کرده و رفتند. ولی کسروی هنوز زنده بود و تقدیر چنین بود که چند صبح‌ی دیگر به زندگی ادامه دهد. او را به بیمارستان بردند و بعد از یک عمل کوچک آثار حیات در او مشاهده گردید. در حالیکه فدائیان اسلام فکر می‌کردند: «زمین از وجود خیانتکاری پاک شده است» ولی چند ساعت بعد معلوم شد که زمین از وجود نجس او هنوز پاک نشده، بلکه برای بهبود کسروی امید زیادی می‌رود.

فدائیان اسلام در حالیکه دندان‌های خود را از خشم روی هم می‌فشردند که چرا شکار را بدین‌سان از دست خود رها نموده‌اند شب را به صبح رساندند، ولی کینه دشمن در سینه آنها می‌جوشید تا فرصت دیگری به دست آید. کسروی بهبود یافت و زندگی عادی خود را از سر گرفت ولی این بار او می‌دانست که شمشیرهای تیز فدائیان اسلام او را تهدید می‌کند لذا هفت تیری با خود همراه داشت و محافظ خاصی نیز برای او تعیین شد که مثل سایه، با اسلحه او را همراهی می‌کرد!

کسروی علاوه بر روزنامه نویسی، وکیل دادگستری هم بود. یک روز صبح، در کاخ دادگستری تهران در حالیکه در مقابل دادستان به عنوان وکیل دعاوی ادعانه‌ای را قرائت می‌نمود، ناگهان چهار مرد مسلح که نواب صفوی آنها را رهبری می‌کرد وارد سالن دادگاه شده و شروع به تیراندازی کردند، در حالیکه صدای شلیک در کاخ دادگستری طنین افکنده بود همه آنهايي که در سالن بودند اعم از شهود، نگهبانان، قضات، و کلا و تماشاگران، همگی فرار کردند و دادستان غش کرد و در پشت میز افتاد، البته این بار کسروی نتوانست جان به سلامت ببرد، او با دوازده تیر در لحظات نخستین جان سپرد و محافظ او هم در حالی که سلاح خود را آماده شلیک می‌کرد، به کسروی پیوست!

هر چهار مرد مسلح از کاخ دادگستری خارج شدند و در حالیکه اسلحه خود را در دست داشتند، در میان انبوه

اردیبهشت ماه نشست می‌داشت آیت‌الله سیدمصطفی با یکی از مهم‌ترین مباحث فقهی به نام اجتهاد در دانشکده حقوق دانشگاه بهشتی برگزار شد. اجتهاد اصطلاحی است در فقه اسلامی به معنای استنباط احکام شرعی با شروطی خاص از منابع فقه. کسی را که به توانایی اجتهاد رسیده است، مجتهد می‌گویند. این مفهوم که پیچیدگی‌های خاص خود را دارد در تمام شؤون زندگی مسلمانان تأثیرگذار است. در نشست مذکور که هست

وها و بایدهای اجتهاد نام داشت آیت‌الله سیدمصطفی محقق‌داماد، عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی، حجت‌الاسلام داود فیرحی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران و آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست، عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ در رابطه با اجتهاد و مسائل پیرامون آن سخنانی ارائه دادند.

گزارش این نشست را در ادامه می‌توانید مطالعه کنید.

اجتهاد مکمل خاتمیت است

آیت‌الله مصطفی محقق داماد اولین سخنران این برنامه در ابتدای نشست بیان کرد که استفاده از واژه اجتهاد از زمان خود پیامبر اکرم(ص) آغاز شده است. کشور یمن که امروز مورد تاخت و تاز عربستان سعودی است و مسلمان زیادی در آن کشته می‌شوند، خیلی زود مسلمان شدند. یمن یک جای بسیار عجیبی است. توصیه می‌کنم که حتما تاریخ این کشور را مطالعه کنید. این ادبیات عربی که امروزه می‌بینیم، این صرف و نحو بسیار مرتبی که امروزه جهان عرب دارد، متعلق به عربستان نیست. عربستانی‌ها چادر نشین بودند و تمدنی نداشتند. بعد از اینکه جامعه یمن مسلمان می‌شود، به اولین چیزی که نیاز پیدا می‌کنند، یک قاضی خوب بر اساس ضوابط اسلامی است. پیامبر فردی به نام معاذ بن جبل را انتخاب می‌کنند که برای این کار به یمن بفرستند. قبل از اعزام پیامبر با وی یک مصاحبه بسیار جالب انجام می‌دهد. پیامبر از او می‌پرسند که چگونه و با چه متدی می‌خواهی قضاوت کنی؟ جبل در پاسخ می‌گوید که من

ادامه از صفحه قبل

داستان تشکیل فدائیان اسلام از شهر «نجف» مرکز بزرگ تشیع، در عراق آغاز شد. نواب صفوی رهبر جمعیت روزی در مسجد هندی نجف نشسته بود که ناگهان نشریه‌ای از ایران به دستش می‌رسد که مقاله‌ای از آن را نویسنده معروف ایرانی، «کسروی» نوشته بود. نواب صفوی پس از مطالعه آن مقاله دید که نوشته‌های کسروی شامل اهانت‌های زشت نسبت به دین اسلام است!! نواب، با خشم و غضب از جای برخاسته و نزد یکی از مجتهدین حوزه رفت، تا رأی آن رهبر شیعی را درباره نویسنده مقاله بداند... مجتهد شیعه در پاسخ او گفت: او مرتد است و قتلش مجاز!

مجتهد شیعه، این سخن را بسیار ساده بیان کرد، در حالی که خبر نداشت این فتاوی او به منزله دستوری است برای پیدایش جمعیت فدائیان اسلام که از لحاظ عملیات در «شرق» بزرگ‌ترین است.

نواب صفوی این فتوا را در سیئه خود پنهان نمود و برای جستجوی کسروی -مرتدی که قتلش جائز است - رهسپار تهران گردید. نواب صفوی در مدرسه سپهسالار - بزرگ‌ترین مدرسه دینی تهران - اطاقی گرفت. یکی از برادران فدائی او به من گفت: آن ایام نواب روزها در کنار حوض مدرسه می‌نشست و به ماهی‌های قرمز کوچکی که در میان آب‌های حوض شناور بودند، خیره می‌شد، و درباره چگونگی قتل کسروی می‌اندیشید!

مدرسه سپهسالار مرکز دیدارهای جوانان متدینی بود که آتش دیانت و تعصب در قلب‌های آنها زبانه می‌کشید و نواب صفوی لب به سخن گشود و گوشه‌ای از اندیشه‌های خود را بیان نمود و ناگهان هسته‌های نخستین «فدائیان اسلام» به وجود آمدند و رفقای جدید دور او را گرفتند. اعلام موجودیت فدائیان اسلام وقتی عملی گردید که سه تن از اعضا جمعیت به کسروی حمله کرده و او را با چوب زدند تا نقش زمین ش و آنها

ادامه از صفحه قبل

مجتهد از یک جهت دستش باز است که در روش‌شناسی اجتهاد مطرح می‌شود. اما از اینکه با اسنادی مواجه است و از طریق این اسناد شریعتی که خدای متعال جعل کرده است، کشف کند از این جهت دستش بسته است. مثلاً بگوید که یک مسافر از این به بعد نماز را تمام می‌خواند. یا فلان معامله که تا به الان درست نبوده است، از این به بعد درست باشد. البته صحبت‌های من به این معنا نیست که مجتهد در این فرآیند مانند ماشین عمل می‌کند و هیچ نقشی ندارد. اتفاقاً گفتمان، مطالعات، فضایی که بزرگ شده است، حساسیت‌هایی که داشته و درگیری‌هایی که داشته تأثیر گذار است، اما هیچ کدام سند استنباط نمی‌شود. در واقع در گفتمانش تأثیر گذار است و گفتمانش در خروجی استنباط هایش. لذا اختلاف فقها هم از اینجا ناشی می‌شود. اما اینکه دست فقیه در انتخاب اسناد باز باشد و از اسنادی استفاده کند و اسناد دیگر را به کنار بگذارد، نیست.

گستره اجتهاد

یکی از مهم‌ترین مساله‌ها در فلسفه فقه بحث گستره اجتهاد است. بحث گستره اجتهاد یک بحثی است که پیش انگاره و مبنای بنیانش در دو مساله مهم و کلان است. به عبارتی ابر مساله است. اولین مساله گستره شریعت است. یعنی کسی که سوال می‌کند یا می‌خواهد راجع به گستره اجتهاد بحث کند باید به او گفت که شما چه گزینه‌ای را در گستره شریعت انتخاب کردید که می‌خواهید از گستره اجتهاد صحبت کنید. اگر طبق توضیحات بخش اول شریعت مشکوف است، طبیعتاً ما تا موضعی را در ارتباط با شریعت مشخص نکنیم، نمی‌توانیم از گستره اجتهاد صحبت با مبنا داشته باشیم. تا ما گستره شریعت را روشن نکنیم طبیعتاً نمی‌توانیم راجع به گستره اجتهاد صحبت کنیم. اگر می‌بینید برخی گستره اجتهاد را در هر مساله‌ای ورود می‌دهند پشت ذهن آنها اندیشه حذاکثری در گستره شریعت است و مقابل آن اندیشه‌ای که حداقلی می‌اندیشد و دو اندیشه‌ای که در وسط آنها قرار دارد. مطلب دومی که در بحث از گستره اجتهاد دخالت دارد این سوال است که آیا اجتهاد حکم‌شناسی است و موضوع‌شناسی در ساحت فقا‌هت نمی‌آید، ممکن است به کارگزاران نظام، مدیران جامعه و به خود مردم واگذار شود یا اجتهاد دو ساحتی است هم حکم‌شناسی و هم موضوع‌شناسی؟ البته من تعبیر به موضوع‌شناسی می‌کنم برای این است که با ادبیات کشور همراهی کنم وگرنه کلمه موضوع در اینجا اشتباه است و دقیق آن، مصداق‌شناسی است. یعنی اگر بخواهیم دقیق صحبت کنیم باید بگوییم؛ اجتهاد، حکم‌شناسی و موضوع‌شناسی بدون مصداق‌شناسی یا حکم‌شناسی، موضوع‌شناسی و مصداق‌شناسی. زیرا حکم بدون موضوع‌شناسی نمی‌شود و عقیده من این است که موضوع‌شناسی و هر اندیشه‌ای که دارد را باید جزو اجتهاد ببریم زیرا مجتهد تا بخواهد بگوید واجب، حرام یا باطل است آن موضوع می‌شود بنابراین گزاره فقهی بدون حکم و موضوع تمام نمی‌شود آنچه مهم است مصداق‌شناسی است. آیا ورود به مصداق جزو عرصه اجتهاد است یا خیر؟ ممکن است بسیاری بگویند که این مشخص است و مصداق‌شناسی جزو عرصه اجتهاد نیست. ما به گفته‌ها کاری نداریم، بلکه به عملکردها و رویه‌ها کار داریم. اجتهاد در بسیاری از مواقع وارد تعیین مصادیق می‌شود.

اما در عموم موارد مصداق‌شناسی‌ها جزو حوزه اجتهاد نیست. اما گاهی فقیهانی را می‌بینیم که وارد این مصداق می‌شوند. بنابراین گستره اجتهاد تابع دو مبنای گستره شریعت و تعریف و تعیین ساحت‌های اجتهاد است.

اجتهاد هنر مومنانه زندگی کردن است

فیرحی عنوان بحث خود را «اجتهاد و تجدد» قرار داد و اینکه چه اتفاقی برای اجتهاد در یکصد سال اخیر افتاده و با چه مسائلی مواجه است. وی ذیل همین عنوان، سه بحث را مطرح کرد که نخستین آن ضرورت اجتهاد بود و گفت در یک جامعه دینی نمی‌توان از اجتهاد چشم‌پوشی

کرد. در واقع اجتهاد هنر مومنانه زندگی کردن و به تعریفی دیگر، نوعی جریان نص در تاریخ است. به عبارتی هیچگاه نمی‌توان جامعه‌ای مسلمان داشت اما از اجتهاد سخنی به میان نیاورد. او در ادامه بحث «گستره شریعت» را بحث جدیدی دانست و افزود این بحث به تازگی مطرح شده و اهمیت زیادی نیز ندارد. به این دلیل که اصلاً اجماع مسلمانان است که دین اسلام، دین جامع و دین خاتم است. وقتی که چنین اجماعی وجود دارد به این معناست که در همه حوزه‌ها سخنی دارد منتها در هر حوزه‌ای یک جور سخن می‌گوید. این بحث در واقع کمی از ادبیات مسیحی به جامعه ما سرریز شده است به دلیل مشکلاتی که ما بعد از مشروطه و به ویژه در اوایل انقلاب اسلامی یعنی از ۳۰ سال پیش پیدا کرده‌ایم. قبل از آن اصلاً چنین واژه‌ای وجود نداشت و هیچ یک از فقهای ما چنین بحثی را مطرح نمی‌کردند و این پیش فرضی بود که همه پذیرفته بودند و مهم است. وقتی که ما به ادبیات مسلمانی نگاه می‌کنیم هیچ عملی نیست که به نص ارجاع داده نشده باشد و بنابراین ما دو نوع عمل داریم؛ بعضی اعمال که منصوص هستند و برخی از آنها تحت عنوان شرع یاد می‌کنند و اما درباره بعضی اعمال حکم مستقیمی وجود ندارد و اجتهاد نیز در همین حوزه عمل می‌کند. به همین دلیل نیز وقتی از اجتهاد صحبت می‌کنیم طرح بسیاری از پرسش‌هایی است که برای آنها حکم مستقیم نداریم یعنی نمی‌توانیم بطور مستقیم از شریعت یک دلیل خاص برای آن پیدا کنیم و مجبور هستیم که فرآیند استنباط را طی کنیم.

اجتهاد با دنیای جدید مواجه شده است

اجتهاد؛ هنر تنظیم زندگی ملی است به‌گونه‌ای که مخالف شرع نباشد

فیرحی، بحث دوم خود را وضع کنونی اجتهاد عنوان کرد و افزود بیشترین حوزه‌ای که من کار کرده‌ام حوزه سیاست و دولت است اما راجع به اینکه یک اتفاق جدید رخ داده و باید به آن بحث توجه کرد مثال‌های دیگری بیرون از حوزه دولت نیز می‌توان پیدا کرد. استاد ما به درستی فرمودند که اجتهاد از اول بوده و دوستان نیز اشاره کردند که هر حکم اجتهادی لاجرم یک موضوعی دارد، همه اینها درست هستند اما آنچه که بسیار اهمیت دارد –اگر از تفکیک مصداق بگذریم و آنچه مصطلح است را در نظر بگیریم– این است که ایران ما از ۱۲۸۵ شمسی تاکنون با مسائلی مواجه شده که قبلاً وجود نداشته‌اند. به عنوان مثال چیزی پیدا شده به نام «دولت ملی مدرن» دولتی که به یک سرزمین گره خورده است. ما در حوزه دولت در دوره مشروطه نگاه دیگری داشتیم و فرض بر این بود که ایده آل جهان اسلام یک جامعه مسلمان و یک حکومت است و بیشتر از این نبود اما از ۱۲۸۵ به بعد تفکر اسلامی و ضرورت زندگی مسلمانی ما را به سمت دولت ملی کشاند. دولت ملی، دولتی است که در درون چارچوب سرزمینی شکل می‌گیرد در عین حال که با سایر مسلمانان هم دین و هم مذهب است اما تعهدات سیاسی او جداست. اتفاقاً قانون نیز وضع می‌کند که برخاسته از حقوق ملی است و هیچ ربطی هم به احکام شرعی ندارد. اگر به ویژگی‌های دولت ملی نگاه کنیم تنها شرط آن، این است که مخالف شریعت نباشد. به تعبیر شهید مدرس، دو چیز خیلی عظیم است؛ یکی اینکه بگویید چیزی باید موافق شرع باشد یا بگویید چیزی نباید مخالف باشد. اتفاقاً اجتهاد عبارت است از هنر تنظیم زندگی ملی به‌گونه‌ای که مخالف شرع نباشد. نه اینکه همه‌جا حکم شرعی کشف بشود، این‌طور نیست اتفاقاً بحث اجتهاد به همین سمت حرکت می‌کند. وقتی بحث دولت ملی مطرح می‌شود لاجرم حاکمیت ملی و مجلس ملی مطرح می‌شود. اتفاقاً در مشروطه از مجلس قانونگذاری صحبت می‌کنند و بعد در زمان امام خمینی(ره) در سال ۱۳۲۴ است که در کتاب «کشف الاسرار» از مجلس برنامه‌ریزی صحبت می‌شود در حالی که پیش از آن، عبارت مجلس شورای ملی و مجلس قانونگذاری به کار می‌رفت. طبیعتاً مجلس قانونگذاری به انتخابات، نمایندگی، و کالت، حزب، رای دادن و مالیات نیاز دارد و بسیاری از مسائل دیگر مطرح شد و این موضوعات، موضوعاتی بودند که با وجود اینکه اجتهاد تاریخی، به تاریخ ظهور اسلام دارد اما اجتهاد

چیستی اجتهاد

از ۱۲۸۵ شمسی با معمایی به نام موضوعات و مسائل جدید و سبک زیستن جدید مواجه شده که این بحث را با دشواری مواجه کرده است. کسی که به ادبیات فقه ما آشنا باشد می‌تواند به راحتی تقریب، ابواب و کتاب‌های فقهی ما را ببیند. این کتاب‌ها همه بر اساس ادبیات قدیم چیده شده است اما وقتی به این بحث نگاه نکنید در مواجهه با مسائل جدید به معمایی برمی‌خورید که خیلی مهم است و عبارت است از مواجهه جهان اسلام با اجتهادی که از یک طرف ادله دارد اما موضوعات آن دیگر موضوعات شسته و رفته‌ای نیستند بلکه موضوعات تازه‌ای هستند که هنوز بطور دقیق موضوع‌شناسی نشده‌اند، هنوز به اجماع نرسیده و به همین دلیل نیز ما شاهد یک نوع تزلزل و اختلاف‌نظرهای بسیار گسترده هستیم. یعنی جنس اختلاف نظرهای بین فقهای ما از بعد از ۱۲۸۵ انصافاً با اختلاف نظرهای قبل از آن متفاوت است زیرا در اختلاف نظرهای قبل از آن موضوعات هزار سال جا افتاده‌اند، مسائلی مانند انواع معاملات سنتی اما بحثی به نام بانک و مالیات جدید که اصلاً جنس آن چیست، چه کسی باید پرداخت کند و چه کسی پرداخت نکند، چه کسی حق دارد مصرف کند، چه کسی حق دارد الزام کند، چه کسی حق دارد برای تخلف از الزام جریمه بزند و مجازات بنویسد یا بحث دیر کرد، اینها بحث‌های جدیدی است که در همه جا مطرح است و بحث اجتهاد را با دنیای جدیدی مواجه کرده و کار کردن بر روی این دنیا مساله بسیار مهمی است.

بعد از انقلاب اسلامی با یک پرسش بسیار انحرافی مواجه شدیم

فیرحی، در قسمت سوم بحث خود ادامه داد ما از ۱۳۵۸ بعد از انقلاب اسلامی با یک پرسش بسیار انحرافی مواجه شدیم اینکه مدیریت اصلاً باید فقهی باشد یا علمی باشد. این پرسش عجیبی است که هنوز پس از سی سال مطرح است. گفته می‌شود گاه یک پرسش غلط زندگی اجتماعی را ویران می‌کند. جالب است که به این پرسش عجیب نیز خیلی پرداخته شد مثل یک گردنه توفانی شد که همه در آن داخل شده و اعلام موضع کردند قبل از اینکه اصلاً ببیند این پرسش درست است یا خیر. وی با بیان اینکه در این قسمت از بحث خود، موضوع و مصداق را یکی می‌گیرد افزود عملیات اجتهاد روی دو بحث است؛ یکی تلاش برای شناخت موضوع و دیگری تلاش برای استنباط حکم است. وقتی که به قضیه نگاه می‌کنیم دو مکتب پیدا شده است؛ یکی مکتب سنتی ما است که

رئیس مجمع جهانی شیعه شناسی انتخاب شد



اعضای مجمع عمومی مجمع جهانی شیعه شناسی، دکتر آیت پیمان را به عنوان رئیس جدید این مرکز انتخاب کردند. دبیرخانه دین پژوهان کشور در پی شهادت جانپاز سرافراز حجت الاسلام علی انصاری نیا رئیس مجمع جهانی شیعه شناسی، مجمع عمومی این مرکز دینی مرکب از ۳۰ نفر از

شخصیت های علمی برجسته حقوقی و حقیقی در جلسه فوق العاده مجمع به اتفاق آراء، آیت پیمان دبیر شورای دین پژوهان کشور را به عنوان رئیس جدید مجمع جهانی شیعه شناسی انتخاب کردند.

وی قبلاً نیز عضو هیئت موسس و هیئت مدیره این مجمع علمی و پژوهشی بوده است که در سال ۱۳۷۷ در قم تاسیس شد و فعالیت های علمی و پژوهشی و تبلیغی، ترویجی موثری را مطابق اهداف اساسنامه مصوب انجام داده است. همچنین در این مجمع حجت الاسلام سیدعلی عماد معاون پژوهشی حوزه علمیه نیز به عنوان عضو هیئت موسس جایگزین استاد شهید انصاری نیا شدند.

دکتر پیمان، با بیان اهداف و برنامه های مجمع جهانی شیعه شناسی اهم طرح ها و چشم انداز آینده این مجمع علمی را برشمرد و گفت: مهمترین طرح ها و برنامه های در دستور کار مجمع شامل طرح بزرگ منشور جهانی تشیع در جهت تبیین اصول عقاید، مسلمات و آرمان های پیوسته به منبع علوم الهی و وحیانی شیعه و تبیین تفکر و اندیشه مکتب تشیع به عنوان اسلام ناب محمدی است.

اتفاقا درست است و می‌فرماید اصلاً موضوع‌شناسی را در جاهایی که موضوعات از جنس موضوعات استنباطی نیست آن را بر عهده حکم و حضرت امام می‌فرمودند بر عهده حکم دقیق بگذارید. اگر این بحث را مطرح کنید آن گاه تمام علوم انسانی چشم و چراغ فقه می‌شوند، یعنی آنها هستند که تمام موضوعات را پالایش می‌کنند و بداعت و تازگی آنها را نشان می‌دهند و ماهیت آنها را برملا می‌کنند. بطور مثال مساله حزب چیست. اینها چشم و چراغ فقیه می‌شوند تا او بتواند یک حکم بدهد. این یک نظر است، یک نظر نسبتاً رادیکال نیز پیدا شده که فقیه برای اینکه حکم دقیق بدهد باید موضوع را بشناسد و اگر همین‌طور بزرگواران فقیه به موضوع‌شناسی هم برسند آن وقت مصیبت چند برابر می‌شود. موضوعات زندگی آن‌قدر زیاد هستند، از اقتصاد گرفته تا سیاست خارجی تا حکومت و مسائل اجتماعی که همگی تازه هستند که جمع و جور کردن آن کار بسیار دشواری است. اگر بگوییم مجتهد باید همه این موضوعات را بشناسد یعنی هیچ چیزی را نباید بشناسد زیرا در هر چیزی مطالعه دو دقیقه‌ای کردن عمری ۷۰–۶۰ ساله می‌طلبد. سخن من این است که بحثی پیدا شده که برخی می‌گویند مجتهد باید موضوع را نیز بشناسد. برداشت من این است که شاید از اینجاست که یک مشکل پیدا شده و بحث مدیریت علمی یا فقهی مطرح شد. در حالی که این دو اصلاً هم سطح نیستند یکی هنجاری است و دیگری رئال یا واقعی است. یعنی علوم انسانی از واقعیت موضوع صحبت می‌کند و بطور مثال می‌گوید حزب چیست و بعد می‌گوید حزب صحیح، باطل و ناقص کدام است یا قانونگذاری صحیح چگونه است. در واقع علوم جدید یا حقوق عمومی می‌توانند توضیح دهند که قانونگذاری اصلاً چیست، تشریفات و معیار و ملاک آن چیست و فقیه می‌تواند استنباط خود را روی این قرار دهد که کدام قانونگذاری صحیح و سالم و کامل است و کدام یک ناقص است و کدام قانونگذاری شرعاً قانونگذاری فاسد است. یعنی فقیه می‌تواند یک قانون فاسد را از قانون غیرفاسد تشخیص دهد. قصد من از طرح این مباحث این بود که بگویم شاید بحث‌هایی مثل بحث از اجتهاد، امروز کلیدی‌ترین بحث ما است که ما را دیواره به آن ریل‌های جا افتاده‌ای که در ادبیات‌مان وجود داشت برگرداند و آن تنظیم مجدد رابطه علوم انسانی با اجتهاد فقه و شریعت است.

منبع: روزنامه اعتماد

نشست علمی بررسی اندیشه‌های تقریبی علمای نجف در قم

نشست علمی «بررسی اندیشه‌های تقریبی علمای نجف» در قم برگزار شد. به گزارش «حوزه»، حجت الاسلام والمسلمین هادی یوسفی غروی در نشست علمی بررسی اندیشه های تقریبی علمای نجف درجمع اساتید و دانشجویان دانشگاه ادیان و مذاهب با بیان این که فکر تقریب، مختص پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیست، بلکه مسبوق به سابقه بوده است، اظهارداشت: نمونه‌های مختلفی از سعی در تقریب بین نجف و الازهر وجود دارد و حتی کتابی در این زمینه سید کاظم کفایی از علاقه‌مندان بیت کاشف‌الغطاء نوشته است.

وی افزود: آل بویه وقتی وارد بغداد شدند، یکی از گام‌های اولیه‌ای که برداشتند، این بود که کرسی تدریس عالم آن زمان و کتابخانه وی را سوزانند و او مجبور شد در جوار حضرت علی(ع) رحل اقامت بیفکند و این سبب شد حوزه علمیه در نجف استقرار پیدا کند. وی به نمونه‌های اندکی از تقارب مذاهب اسلامی با یکدیگر اشاره و تصریح کرد: ما در حد مطالعه‌ای که داشتیم و نیز سراغ نداریم کسی گفته باشد، این است که شیخ طوسی به بهانه برائت، کار را به جایی رساند که برخی اصحاب تراجم کتاب علما از اهل سنت، شیخ طوسی را شافی شمرده‌اند و این نشانه آن است که ایشان رعایت جهات را می‌نمود و در این باب فراتر از شیخ مفید گام برداشته است.

این کارشناس تاریخ اسلام ادامه داد: بعد از سقوط سلطنت ترکان عثمانی، وقتی استعمار وارد بلاد اسلامی شد، وضعیت تفاوت‌هایی کرد و به ویژه مسئله تقریب در این دوران، قوی‌تر مطرح شد اما از اواخر آن دوران، مرحوم شیخ جعفر کاشف‌الغطاء با مرحوم سیدمهدی بحرالعلوم هم عصر بودند و توافق کرده بودند که مرجعیت را مرحوم کاشف‌الغطا و قضاوت را مرحوم بحرالعلوم بر عهده بگیرند.

حجت الاسلام والمسلمین یوسفی غروی ادامه داد: مرحوم محمد کاظم عزلیه وقتی به نجف می‌رسد، حاضر می‌شود عمامه را کنار گذاشته و به روش عمال عثمانی خود را اصلاح کرده و قصیده‌ای در مدح پاشای بغداد بگوید کانه مذهبی به خود گرفت که تقارب به سنی‌ها پیدا کرد. این برای خوف خطری بود که از ناحیه عثمانی برای شیعه ممکن بود به وجود آید.

وی افزود: وقتی ایشان فوت کرد و جنازه او را به نجف آوردند، ایام مرجعیت صاحب جواهرالکلام بود که ایشان تشویق به شرکت در تشییع جنازه او کرد و گویا سر جنازه این سخن را گفته بود که «کاش کل جواهر من در صحیفه اعمال عزلیه نگاشته می‌شد و در برابرش، قصیده عزلیه ایشان در صحیفه اعمال من نوشته می‌شد».

این کارشناس تاریخ اسلام همچنین گفت: وقتی محمد علی جناح اعلام جمهوری اسلامی پاکستان کرد، اتفاقاً مصادف با میلاد امام علی(ع) شده بود و جشنی در کراچی برگزار و مرحوم کاشف‌الغطاء و مرحوم زنجانی را دعوت کرد که این دعوت اجابت شده و رفته بودند که نقل می‌کنند از مرحوم زنجانی سؤال کرده بودند «آیا مساجد شیعه و سنی از یکدیگر جدا باشد یا مشترک؟» ایشان با تأملی گفت: «اگر جدا باشد، بهتر است چون در صورتی که مشترک باشد، بیشتر درگیری ایجاد می‌شود» و چون در این جشن میلادیه از هر دو مذهب بودند، این گفته را تحسین کردند. این رفت و آمدهای تقریبی وجود داشته و منافع تعرّف بیشتر بر مذهب و پیروان مذهب و عقاید و آرای مذهب در طول تاریخ بوده است.

حضرت آیت‌الله وحیدخراسانی: آبرو و جان و مال یک غیر شیعه همانند مرجع شیعی است

حقیر در مجمع جهانی تقریب خدمت حضر تعالی رسیدم، و حضرت تعالی محبت کردید مبارک فرمودید و دستور دادید که به محضر امام رضا (ع) مشرف شوم از طرف حضرت موسی ابن جعفر (ع) و حضرت مصومه (س) حضرت را زیارت کنم و از ایشان درخواست کنم این مأموریت را از جانب ایشان انجام دهم، بنده هم امتثال امر کردم. الان هم به همراه همکاران و معاونین مجمع تقریب خدمت حضر تعالی رسیدیم تا اگر امر یا دستوری دارید اجرا کنیم. راهبرد ما و هدف ما در مجمع تقریب اجرای این فراز از زیارت جامعه است که فرمودند: بولا یتکم تمت الکلمه، وعظمت النعمه و اتثلفت الفرقة، و واقعا هدف ما عمل در راستای جلب رضایت ائمه طاهرین (س) است و بحمدالله توفیقات زیادی هم در این امر حاصل شده که در نتیجه شاهد دشمنی گروه‌های تکفیری و افراطی با تقریب مد نظر مان هستیم.

است، چقدر هم عریض و طویل از جهت معاشرت با آنها. وی تأکید کرد: معاشرت یک باب است، عیادت کنید از مرضاشان. اگر حمله شود به خانه یک بدوی از آنها از نظر شرعی با حمله به بیت مراجع شیعه برابر است. ان‌شاءالله با این روش عمل شود. حضرت آیت‌الله وحید خراسانی در پایان خطاب به آیت‌الله اراکی اظهار کرد: واقعا ما پدر شما را فراموش نمی‌کنیم، به قانون توارث آنچه در او بوده لا محاله به شما منتقل شده ان‌شاءالله، توفیقات شما را از خدا مسئلت داریم. این بیت متعلق به شماسه، هر موقع فرصت داشتید تشریف بیارید...صحبه اربعین یوما قرابه فکیف بصحبه سبعین سنه، ما با مرحوم ابوی شما سال‌ها قرین بودیم. در ابتدای این دیدار آیت‌الله اراکی ضمن تشریح فعالیت‌ها و اهداف و برنامه‌های مجمع جهانی تقریب، اظهار کرد: اگر خاطر مبارک باشد در ابتدای مسئولیت

آیت الله اراکی:

هر گونه حرکت تفرقه انگیز در جهت منافع دشمن صهیونیستی است

دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین افزود: علیرغم فراز و نشیب تحولات سیاسی در منطقه و بعضا شرایط حادی که در منطقه پدیدار می‌شد جمهوری اسلامی ایران را ثابت قدم و مصمم در دفاع از تمامیت نهضت مردم فلسطین دیدیم و از این بابت فلسطینیان همواره مراتب تقدیر و سپاسگزاری شان را ابراز داشته‌اند. رمضان عبدالله همچنین وجود برخی جریان های انحرافی را که می‌تواند به مقاومت در منطقه و بویژه مقاومت فلسطین لطمه بزند را جزء آفت های جریان های سیاسی در منطقه دانست.

وی در ادامه با اشاره به ضرورت تقویت تقریب در جهان اسلام اظهار داشت: در زمینه تقریب در گذشته بزرگان بسیار زیادی از جمله شیخ شلتوت و شیخ محمد عبده فعالیت کرده‌اند و اکنون نیز جمهوری اسلامی ایران با تأسیس مجمع جهانی تقریب ادامه دهنده راه این بزرگان در زمینه ایجاد وحدت و تقریب در جهان اسلام است.

دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین با بیان اینکه امت اسلامی از نژاد ها و فرقه های مختلفی تشکیل شده است، اظهار داشت: میان شیعه و اهل سنت مشترکات بسیار زیادی وجود دارد و همواره ما باید بر این اشتراکات تکیه کنیم زیرا مجموعه شیعه و سنی امت اسلامی را تشکیل می‌دهند.

آیت الله اراکی تأکید کرد: در نشست آتی اتحادیه علمای مقاومت، این اتحادیه رسالت خود را نسبت به حمایت و پشتیبانی از مقاومت اسلامی و نهضت فلسطین و حزب الله قهرمان ابراز خواهد کرد.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب آموزه های حضرت امام خمینی(ره) و رهنمود های مقام معظم رهبری را چراغ راه امت ایران در حمایت از حقوق ملت فلسطین و مقاومت اسلامی معرفی کرد و گفت: هرگونه حرکت واگرایانه و تفرقه انگیز، حرکتی علیه وحدت امت اسلامی در مبارزه با دشمنان اسلام و در جهت منافع دشمن صهیونیستی است.

آیت الله اراکی تأکید کرد: بقای نظام صهیونیستی در ایجاد تفرقه، درگیری و تنش میان امت اسلامی است. «رمضان عبدالله» دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین نیز در این دیدار ضمن ارائه تحلیلی از شرایط منطقه و جریان های سازش و مقاومت در منطقه، وحدت امت اسلامی را تنها راه اساسی برای استیفای حقوق فلسطینیان ارزیابی کرد.

وی تاریخچه حمایت های انقلاب اسلامی ایران، امام راحل و مقام معظم رهبری طی ۴ دهه گذشته را به عنوان پایه و اساس و ارزش محوری جریان های سیاسی در برخورد با مسئله فلسطین ارزیابی کرد و گفت: این حمایت از شروع آن توسط امام خمینی(ره) تا امروز ادامه دار بوده است.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

بدون استقرار گفتمان رحمت گرایی، مبارزه با افراطی گری دشوار است

وی افزود: دومین فایده این است که اتباع ادیان الهی در چارچوب این گفتمان به این باور مشترک می‌رسند که باید به صورت مشترک به تعمیق و ترویج معنویت گرایی، ایمان گرایی و اخلاق گرایی در دنیای کنونی دست بزنند.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: فایده سوم مترتب بر ایجاد و تقویت «گفتمان رحمت گرایی مشترک بین الادیانی» این است که راه توافق بین الادیانی و بین المذاهبی را جهت مبارزه از خاستگاه دین با افراط گری دینی باز می‌کند.

دکتر مبلغی افزود: بدون استقرار گفتمان رحمت گرایی مشترک بین الادیانی، مبارزه با افراطی گری دینی و مذهبی دشوار، بلکه فاقد زمینه است.

رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی گفت: فایده چهارم این است که با این گفتمان، گفتگوی بین الادیانی معنی و معقولیت می‌یابد و از افسردگی و بی‌خاصیتی نجات پیدا می‌کند. گفتمان می‌تواند چارچوب گذاری، تعمیق، فعال سازی، توسعه و بهره برداری از گفتگوی میان ادیان را رونق بخشد.

وی با اشاره به تبیین نسبت دین با رحمت الهی گفت: اصولی همانند «پیش‌آدینی بودن رحمت الهی»، «خاستگاه بودن رحمت الهی برای دین» و «حضور احاطه آمیز و سریانی(اثر کردن چیزی در چیزی) رحمت الهی در سرتاسر دین»، این نسبت را شکل می‌دهند.

حضرت آیت‌الله وحیدخراسانی گفت: ناموس یک بدوی، عرضش، مالش، جانش همانند جان و مال و عرض یک مرجع شیعی است.

این مرجع تقلید در دیدار آیت‌الله اراکی دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی اظهار کرد: اگر به دستورات شرع عمل کنیم که رفتار با مسلم چه باید باشد، خود شهادتین چه آثاری دارد، اگر عامه بفهمند دستورات این مذهب را که فرمود: صلوا فی مساجدھم- در مساجد آنها نماز بخوانید، عیادت کنید مرضای آنها راه احوال برسید از غیب آنها؛ اگر این دستورات علنی شود چه تألیف قلوبی پیدا می‌شود. این‌ها دین ما را، مذهب ما را نشاناختند.

وی افزود: ناموس یک بدوی، عرضش، مالش، جانش همانند جان و مال و عرض یک مرجع شیعی است. همانطوری که جان و مال و عرض یک مرجع شیعی باید حفظ شود، آن هم باید حفظ شود، در این حد. این یک بحث

«رمضان عبدالله» دبیر کل جنبش جهاد اسلامی فلسطین و هیئت همراه که در تهران به سر می‌برد شامگاه یکشنبه با حضور در محل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با آیت الله «محسن اراکی» دبیر کل مجمع جهانی تقریب دیدار و گفت و گو کرد.

آیت الله اراکی در این دیدار با اشاره به آیه «و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون»، اظهار داشت: امیدواریم در راه و هدفی که در پیش گرفته اید موفق باشید و قطعا پیروزی ملت فلسطین نزدیک است.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب در ادامه با تشریح اهداف مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی به حرکت سال های اخیر این مجمع در تأسیس اتحادیه علمای مقاومت اشاره کرد و گفت: این اتحادیه که صدها تن از علمای جهان اسلام عضو آن هستند همواره در شرایط مختلف چه در قالب بیانیه ها و چه در قالب نشست ها حمایت خود را از نهضت فلسطین و مقاومت اسلامی در منطقه نشان داده است.

وی افزود: نشست روز های آتی این اتحادیه در بیروت، حرکت مذبحخانه برخی از کشور های منطقه در تروریست خواندن حزب الله و مقاومت اسلامی را محکوم خواهد کرد.

به گزارش روابط عمومی دانشگاه مذاهب اسلامی، حجت الاسلام والمسلمین دکتر احمد مبلغی رئیس دانشگاه مذاهب اسلامی در مراسم افتتاحیه کنفرانس بین المللی «شمولیت رحمت الهی به عنوان اصلی برای گفتگو میان ادیان در قرن بیست ویکم» در سن پترزبورگ روسیه درسخنانی خاطر نشان کرد: دو محور مهم پیرامون تعامل و گفتگوی ادیان قابل طرح است که یکی ضرورت ایجاد «گفتمان رحمت گرایی بین الادیانی الهی» و دیگری «تبیین نسبت دین با رحمت الهی» است.

وی اظهارداشت: نباید بین رحمت گرایی اختصاصی دینی با رحمت گرایی مشترک بین الادیانی خلط کرد. عضو مجلس خبرگان رهبری بیان داشت: رحمت گرایی اختصاصی دینی و رحمت گرایی مشترک بین الادیانی هر دو ضروری است، ولی باید توجه داشت در رحمت گرایی مشترک بین الادیانی بر بخش های مشترک رحمت باوری دینی، و نیز بر مشترک بودن برخاستگی ادیان از رحمت الهی تأکید می‌شود.

دکتر مبلغی با بیان اینکه ایجادو تقویت «گفتمان رحمت گرایی مشترک بین الادیانی» چهار نتیجه مهم را در بر دارد، گفت: یک نتیجه، آن است که این گفتمان چارچوبی مفهومی و توافقی را برای تفکر، نگاه و حرکت به سوی زندگی مشترک ادیانی و مذهبی تشکیل می‌دهد.

نشریه مرکز بررسی‌های اسلامی

دوهفته‌نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: سیدهادی خسروشاهی

دفتر مرکزی: قم / خیابان شهدا (مغانیه) / نبش ممتاز

تلفکس: ۰۲۳۱۴۲۳۷۷۴ صندوق پستی: ۱۳۶ چاپ: ولیعصر

سایت‌های مرکز

مرکز بررسی‌های اسلامی: www.iscq.ir

استاد خسروشاهی: www.khosroshahi.org

پست الکترونیکی: besatonline@gmail.com

بوستان کتاب دو اثر جدید درباره حضرت محمد (ص) منتشر کرد

موسسه بوستان کتاب به مناسبت مبعث خاتم پیامبران، حضرت محمد (ص) به تازگی دو اثر جدید با عنوان‌های «بشارت‌های پیامبران گذشته از ظهور پیامبر اسلام» و «شیوه مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» را منتشر کرده است.

دو اثر جدید با عنوان‌های «بشارت‌های پیامبران گذشته از ظهور پیامبر اسلام» و «شیوه مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» به مناسبت همزمانی بیست و نهمین نمایشگاه کتاب با مبعث پیامبر (ص) از سوی بوستان کتاب راهی بازار نشر کشور شد.

موسسه بوستان کتاب، به مناسبت مبعث خاتم پیامبران، به تازگی دو اثر جدید چاپ و منتشر کرده که «بشارت‌های پیامبران گذشته از ظهور پیامبر اسلام» درباره بعثت پیامبر (ص) و «شیوه مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» درباره نحوه برخورد و مبارزه آن حضرت با فرهنگ جاهلیت است.

کتاب «بشارت‌های پیامبران گذشته از ظهور پیامبر اسلام» به قلم محمدعلی شهریاربی‌فرد تألیف شده و کتاب «شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» اثر مشترک سیده صفیه میرحسینی و دکتر ابراهیم فالاح است. در عصر جدید، عالمانی یهودی و مسیحی، نشانه‌هایی از کتاب‌های مقدس‌شان درباره پیامبر خاتم، حضرت محمد (ص) یافتند و به دین اسلام گرویدند و برخی از آن‌ها نیز کتاب‌هایی در این باره و دفاع از حقانیت اسلام نگاشتند. نویسنده کتاب «بشارت‌های پیامبران گذشته از ظهور پیامبر اسلام» در پی آن است که بشارت‌های پیامبران گذشته از جمله حضرت موسی و عیسی (علیهم‌السلام) را درباره حضرت خاتم (ص) بررسی کند. نویسنده، منبع اصلی این کاوش را کتاب مقدس رسمی

به زبان فارسی قرار داده تا نشان دهد که در ظاهر همین کتاب مقدس نیز نشانه‌هایی از بشارت‌ها باقی مانده است. در کتاب «شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» آمده است: «آگاهی و معرفت نسبت به شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی، می‌تواند راه صحیح مبارزه با فرهنگ جاهلی مدرن جوامع کنونی را به همه انسان‌ها، به‌ویژه مسلمانان نشان دهد و آنان را از سقوط در پرتگاه جهالت نجات دهد.»

در عصر حاضر که علیرغم رشد فناوری‌های بشری، زندگی انسانی دشوارتر شده، نشر و تبیین معیارهای معنوی و انسانی رهبران الهی، درمان‌گر راستین‌همه‌ناپسامانی‌هاست. بر این اساس، نگارندگان کتاب «شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» کوشیده‌اند مهم‌ترین شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) را با فرهنگ جاهلی نشان داده و بیان کنند که پیامبر (ص) با درایت و هوشیاری، پشتکار و مدیریت صحیح و با الهام از قرآن کریم در مدت زمانی کوتاه، تحول عظیم فرهنگی در جامعه آن روز ایجاد کرده است.

کتاب «بشارت‌های پیامبران گذشته از ظهور پیامبر اسلام» با شمارگان یک‌هزار و ۲۰۰ نسخه در ۲۱۶ صفحه با جلد شومیز، به بهای ۱۱ هزار تومان و کتاب «شیوه‌های مبارزه پیامبر (ص) با فرهنگ جاهلی» با شمارگان یک‌هزار و ۲۰۰ نسخه در ۲۴۴ صفحه با جلد شومیز، به بهای ۱۴ هزار تومان به تازگی به همت بوستان کتاب راهی بازار نشر شده‌اند.

طرح حضرت آیت الله مکارم شیرازی برای برگزاری حج با عزت و امنیت

قبول نیست. ما از اندیشمندان جهان اسلام نیز دعوت می‌کنیم که اگر نظراتی برای تکمیل این طرح دارند برای ما ارسال دارند.

ایشان سپس با تأکید بر این که روحانیون و علما باید مراقب بدعت‌ها باشند، گفتند: اگر بدعت در دین رایج شود دیگر دینی باقی نمی‌ماند.

حضرت آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی به مساله بدعت در دین اشاره کردند و گفتند: یکی از مشکلاتی که همیشه در اسلام وجود داشته افراط و تفریط در دین و مساله بدعت است. البته برخی افراد به خصوص در مجالس زنانه دچار افراط هستند و کارهایی را به نام دین می‌کنند که از طرف دین بیان نشده است. مثلاً ختم انعام می‌گیرند و برنامه‌هایی دارند که مستند نیست. لذا روحانیون و علما باید مراقب این بدعت‌ها باشند، زیرا اگر بدعت در دین رایج شود دیگر دینی باقی نمی‌ماند و چهره آن تغییر خواهد کرد.

ایشان تأکید کردند: بدعت در دین حرام است و در روایت هم داریم که بدعت‌گذار مورد بخشش خداوند قرار نمی‌گیرد مگر اینکه دست از بدعت خود بردارد.

هشدار آیت الله استادی به خبرنگاران!

می‌بینیم اصل و فرع آن هم دروغ بوده است ولی در برخی رسانه‌ها مثلاً نقل و انتقال فردی با حذف حدس، به صورت قطعی بیان می‌شود.

وی تأکید کرد: مثلاً شان نزول آیه تطهیر تنها مخصوص اهل بیت است ولی گاهی این حصر وجود ندارد مانند اینکه هر چه «یا ایها الذین آمنوا» در قرآن است در شان امام علی است که البته ایشان در بالاترین مرتبه آن قرار دارد و فقط مخصوص ایشان نیست.

استادی با تأکید بر کاربردی بودن تفسیر برای دوره کنونی عنوان کرد: آیت‌الله طالقانی مدعی بود که من قرآن را می‌خوانم و به روز تفسیر می‌کنم اگر کسی این هنر را داشته باشد که طوری تفسیر کند که با شان نزول بسازد و ناظر به مسایل روز باشد کمک و خدمت زیادی کرده است.

وی تأکید کرد: این نوع تفسیر تأکیدی بر این است که قرآن کتاب زندگی است حتی برای ما و نه اینکه برای ۱۴ قرن پیش باشد؛ این قرآن در صحنه که آیت الله طالقانی مطرح فرموده همین مزیت را دارد و برخی تفاسیر اهل سنت نیز با همه اشکالات دنبال این مسئله بوده‌اند و اگر کسی این هنر را داشته باشد خیلی می‌تواند در مسایل روز کاربرد داشته باشد و خدمت بزرگی به جامعه است.

محققان جهان اسلام، احیای اسناد و نسخه‌های خطی را دریابند

مرحوم علامه تصور نمی‌کرد که زمانه با پیشرفت مواجه می‌شود، بنا به این وصیت از چند تن از مراجع استفتاء کرده و سپس کار تصحیح بر این نسخه را آغاز کرد.

وی با بیان این که، نسخه خطی اثر را از کتابخانه آستان قدس دریافت کرده و در هنگام تصحیح متن را با چاپ سنگی نیز مقابله کرده است، افزود: «اسما الحسنی»، «معرفی پیامبران» از جمله بخش‌های مختلف این رساله است. در نسخه تصحیح شده، اضافات و توضیحات با سبایز متفاوت در نسخه نهایی گردآوری شده است. باید به این نکته نیز اشاره کنم که «شیخ عباس قمی» در کتاب «منتهی‌الامال» بارها به این اثر علامه خاتون‌آبادی اشاره کرده است.

مدیر انتشارات «قاف مشهد الرضا»، «خواص حیوانات» را دیگر رساله تصحیح شده از سوی خود معرفی کرد و گفت: این رساله به زبان عربی و از سوی «دومیری» یکی از حکمای مصری تألیف شده است. بخشی از این اثر که هم‌اینک تصحیح آن به اتمام رسیده از سوی یکی از منشی‌های شاه عباس به زبان فارسی ترجمه شده است. چاپ سنگی این اثر را برای تصحیح از دوستی در همدان امانت گرفتیم.

بنا به گفته، مهدی قربانی، «جنات الخلود» و «خواص حیوانات» از سوی انتشارات «قاف مشهد الرضا» منتشر می‌شود.

عربستان سعودی نیز می‌تواند عضوی از آن باشد. زیرا تجربه نشان داده آنها به تنهایی نمی‌توانند این فریضه بزرگ را آن گونه که لازم است اداره کنند، حوادث بسیار دردناک سال گذشته در مسجدالحرام و سپس در منا بهترین گواه آن است.

اینجانب طرحی برای این مساله دارم که پس از تکمیل برای علمای الازهر مصر و علمای بزرگ جهان اسلام می‌فرستم و سپس از آنها دعوت می‌کنیم تا در همایشی برای تکمیل و یافتن طرق اجرایی این طرح به مشورت بنشینند و عربستان سعودی را برای پذیرش آن تحت فشار قرار دهند. به یقین این طرح به نفع آنها نیز خواهد بود و هیچ منافاتی با حاکمیت آنها بر کشورشان ندارد. قرآن با صراحت تمام می‌گوید: «همه مسلمین اعم از نزدیکان و دوران در مسجدالحرام برابرند»؛ (سَوَاءُ الْكَافِ فِيهِ وَالْبَائِدِ).

به یقین روزی این طرح جامه عمل به خود خواهد پوشید و امیدواریم آن روز نزدیک باشد، زیرا وضع فعلی که سعودی‌ها نسبت به حرمین شریفین نشان می‌دهند و خود را مالک اصلی آن می‌دانند برای هیچ کس قابل

وی ادامه داد: همچنین قرینه مقامی داریم که نمونه آن این روایت است که خدا حضرت آدم را به صورت خودش خلق کرده است که اگر به قرینه مقامی توجه نکنیم به بدفهمی از روایت خواهیم افتاد.

آیت الله استادی بیان کرد: مثلاً امام خمینی صحتی را در باره حادثه روز بیان فرموده بودند که ناظر به آن حادثه بوده است اما جملات قبل و بعد آن را حذف می‌کنند تا چیزی را که به نفع خودشان است از آن برداشت کنند.

وی اظهار کرد: یکی از کارهایی که المیزان برخلاف بسیاری از تفاسیر کرده این است که صحت و سقم شان نزول را ذکر فرموده است؛ در این آیات نیز سخن درالمنثور را رد کرده و گفته است شان نزول آیه با جنگ بدر سازگار نیست.

وی تأکید کرد: علامه احتمالات را بیان فرموده و خودش نیز احتمال درست تر را بر خلاف سایر تفاسیر تعیین فرموده است که برای ما منبری‌ها بسیار مفید است. استاد تفسیر حوزه با بیان اینکه به صرف احتمال نمی‌توان مطلبی را به عنوان مطلب مسلمی گرفت بیان کرد: امروز نیز متأسفانه گرفتار این مسئله هستیم؛ خبرنگاران و خبرگزاری‌ها احتمالی را که حدس زده شده مسلم می‌گیرند در حالی که وقتی مطلب دنبال می‌شود

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی در درس خارج خود در مسجد اعظم قم به قرائت بیانییه‌ای با موضوع حج پرداختند که به شرح زیر است:

بسم‌الله الرحمن الرحیم

کارشکنی‌های سعودی‌ها در امر حج بر هیچ کس پنهان نیست، سعی ما بر این است که مانند هر مسلمان آزاده دیگری مراسم حج را با امنیت کامل و عزت و احترام شایسته انجام دهیم، در حالی که قرائن نشان می‌دهد سعی عربستان سعودی بر این است که به سبب اختلافات سعودی که با ما دارند تا می‌توانند از عزت و احترام حجاج ما بکاهند، در حالی که مسائل مربوط به حج را با مسائل سیاسی آمیختن یکی از اشتباهات بزرگ آن‌هاست و بدیهی است که دولتمردان ما جز به حج توأم با عزت و امنیت تن نخواهند داد.

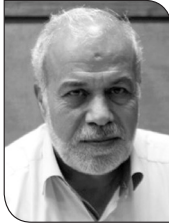
مساله مهم این است که باید مسائل مربوط به حرمین شریفین روزی به طور کامل حل شود و آن در صورتی خواهد بود که گروهی از زبده‌ترین آگاهان نسبت به مسائل حج از سوی سازمان همکاری اسلامی برای نظارت بر امر حرمین شریفین انتخاب شوند که

وقتی مطلب دنبال می‌شود می‌بینیم اصل و فرع آن هم دروغ بوده است ولی در برخی رسانه‌ها مثلاً نقل و انتقال فردی با حذف حدس، به صورت قطعی بیان می‌شود.

آیت‌الله رضا استادی، در جلسه تفسیر سوره مبارکه مومنون گفت: وقتی روایتی از ائمه می‌شنویم گاهی واضح و روشن است ولی گاهی آیه قرینه لفظی دارد که اگر از آن غفلت کنیم گرفتار بدمعنایی می‌شویم و الان در زمان ما این مسئله مورد ابتلای سیاسیون است و برای دشمنی و دوستی و مخالفت، از حرف‌های امام و رهبری، قرینه لفظی را رها می‌کنند و گرفتار بدمعنی کردن می‌شوند که این کار خیانت است.

آیت الله استادی اظهار کرد: مثلاً در آیاتی از سوره مدثر که با طلیعه «ما سلککم فی سقر» شروع می‌شود برخی منبری‌ها می‌گویند علت جهنمی بودن این افراد، این است که آنان نماز نمی‌خواندند در حالی که چند آیه بعد هم هست و اینکه اینجا نه تنها نماز نمی‌خواندند قیامت را هم قبول نداشتند.

وی افزود: آیت‌الله بروجردی یکی از نقایص وسایل الشیعه را تقطیع در روایت می‌دانست به همین دلیل تیمی ایجاد کرد تا این نقص برطرف شود زیرا همین تقطیع ممکن است فقیه را به اشتباه بیندازد لذا در آیات و روایات باید به قرائن لفظی توجه کنیم.



مهدی قربانی، محقق و مصصح آثار حوزه فلسفه اسلامی در گفت‌وگو با (اینا)، ضمن اشاره به کم‌کاری مسلمانان در راستای احیای تراث اسلامی گفت: بسیاری از اسناد و نسخه‌های خطی در جهان اسلام وجود دارد، که بکر و دست‌نخورده باقی مانده و بسیاری دیگر به انحای مختلف از مرزهای جهان اسلام خارج شده است.

وی با اشاره به فهرست‌نویسی ۱۰ هزار رساله خطی فارسی و عربی در کتابخانه هلند اظهار کرد: کار کردن بر تراث و احیای آن از انگیزه و علاقه شخصی محققان نشأت می‌گیرد. با وجود فعالیت موسسه‌هایی نظیر، مرکز پژوهشی میراث مکتوب و بنیاد پژوهش‌های اسلامی و تلاش این دو مرکز برای احیای نسخه‌های خطی هنوز بسیاری از آثار مورد غفلت واقع شده‌اند.

آقای قربانی با تأکید بر ادعای جهان اسلام در احیای تراث اسلامی، افزود: محققان جهان اسلام مدعی کار و تصحیح بر آثار خطی اسلامی، متعلق به حکما و علما هستند اما کم‌کاری محققان جهان اسلام نیز در این میان قابل انکار نیست. بنابراین انتظار داریم محققان بیش از این بر احیای میراث فکری و سنت فلسفی تمرکز داشته باشند. مدیر انتشارات «قاف مشهد الرضا» ادامه داد: من به عنوان یکی از مصححان آثار خطی حوزه اسلام و